

دوستان عزیز سلام بر شما - خواهش میکنم اگر ممکن است این مطلب را منتشر بفرمائید  
متن کامل این سند تاریخی به زبان فارسی، اولین بار است منتشر میشود.  
با کمال احترام  
همنشین بهار

## نگذارید شاخه زیتون از دستم بر زمین افتد. سخنرانی تاریخی یاسر عرفات در سازمان ملل (۱۲ نوامبر ۱۹۷۴)

(۱۹۷۴) نوامبر ۱۲ فیلم کوتاهی از سخنان عرفات در سازمان ملل )  
<http://www.youtube.com/watch?v=ttb6B7R5xGM>

### چیزی به نام فلسطینی وجود ندارد !

دوره بیست و نهم مجمع عمومی سازمان ملل، که «عبدالعزیز بوتفلیقه» ریاست آنرا بعهده داشت، ۱۸ دسامبر سال ۱۹۷۴ به پایان می‌رسید.  
۱۴ اکتبر همان سال مجمع عمومی برای دعوت از یاسر عرفات و شنیدن سخنان او رأی مثبت داد.  
حضور رهبر یک جنبش آزادیبخش در سازمان ملل ضربه بزرگی به مرتجعان و نژادپرستان بود و آنان تصور نمی‌کردند، صدایی که در صدد خاموش کردنش بودند، از مجمع عمومی سازمان ملل به گوش جهانیان برسد.

۱۳ نوامبر ۱۹۷۴ در هر کوی و برزن، سخن از یاسر عرفات بود. او جامعه جهانی را به یاری طلبید.  
نه روز بعد (۲۲ نوامبر ۷۴) که مجمع عمومی، قطعنامه مهمی در مورد بیت المقدس ارائه داد و بر حق مردم فلسطین برای تعیین سرنوشت خودشان و حق استقلال و حاکمیت آنان انگشت گذاشت، اشغالگران و حامیانشان عزا گرفتند.

پیشتر، خانم «گلدامیر» به «روزنامه ساندى تایمز» گفته بود:

There were no such thing as Palestinians...They did not exist...

«چیزی به نام فلسطینی وجود ندارد ... اینجور نیست که در اینجا ملتی فلسطینی می‌زیسته و ما آنان را آواره کرده و بر سرزمینشان مسلط شده ایم. در این سرزمین، اصلاً فلسطینی وجود ندارد.»

امثال او اصلاً منکر فلسطینی و جنبش فلسطین می‌شدند تا چه رسد به اینکه سازمان ملل به آن حق نظارت observer status و حضور در جلسات هم، بدهد.

از قول نماینده آمریکا «جان اسکالی» John A. Scali گفته می‌شد:  
استبداد اکثریت tyranny of the majority در سازمان ملل همه چیز را بهم ریخته است، آفریقای جنوبی و اسرائیل در تنگنا قرار گرفته اند و نمایندگان کشورهای جهان سوم رویشان باز شده است. هرج و مرج rampant anarchy در سازمان ملل هویدا است و دیگر دلیلی برای حمایت ایالات متحده از این سازمان وجود ندارد.

### ستمگران زیتون صلح را می‌شکنند.

سیزدهم نوامبر ۱۹۷۴ (۲۲ آبان ۱۳۵۳) برای نخستین بار، رهبر یک جنبش آزادیبخش در مجمع عمومی سازمان ملل، از حقانیت و مظلومیت مبارزان راه آزادی سخن گفت و طالبان نفت و دلار را که در تدارک «خاموش ساختن کانون های بحران»، قیافه حق به جانب می‌گرفتند، خلع شعار نمود.  
یاسر عرفات با دیپلماسی انقلابی و منطق و برهان، مُشتِ متجاوزان را باز کرد و نشان داد این ستمگران هستند که شجره طیبه مدارا و زیتون صلح را می‌شکنند، راه گفتگو را می‌بندند و مسیری جز مبارزه قهرآمیز باقی نمی‌گذارند.

\*\*\*

آنروزها انقلاب تا پیروزی و «ثوره ثوره حتی النصر» ورد زبان ها بود و همه چیز، به ساز «گفتمان انقلابی» می‌رقصید و می‌چرخید.  
تکیه بر شور انقلابی، ادبیات ضد بیدادگری، انگشت نهادن بر خوی و خصلت استعمارگری در مواجهه با غرب دو چهره، غربی که از دیدگاه دیگر مهد مدنیّت و دموکراسی و پیشرفت نیز، بود - گفتمان مسلط آن سال ها را تشکیل می‌داد.  
کل جهان سرمایه داری (و آمریکا بخصوص) با «تورم و رکود همراه باهم» Stagflation (استاگفلیشن)، دست و پنجه نرم می‌کرد.  
نظم به اصطلاح نوین جهانی پا نگرفته، و دیوار برلن سر و مُر و گنده، سرچایش بود و رهبر آلمان شرقی مدعی می‌شد که این دیوار اقلّاً تا ۱۰۰ سال دیگر می‌ماند و هوادارانش یک ساعت (یک ساعت تمام) هورا می‌کشیدند و کف می‌زدند...  
با وجود این که هیئت حاکمه آمریکا، و کل دنیای سرمایه داری برای سوار شدن بر خَر مُراد و بلعیدن شوری، این پا و آن پا می‌کرد، هنوز تیم «یلتسین - گورباچف» از راه نرسیده و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرص و پابرجا بود.  
ویتنامی ها، ضربات بزرگی به ارتش متجاوز آمریکا زده بودند و در گوشه و کنار جهان خروش آزادیخواهی به گوش می‌رسید.  
در نیکاراگوئه و سراسر آمریکای لاتین نیز فریاد مرگ بر امپریالیسم شنیده می‌شد و امثال چه گوارا، رژی دبره، کاسترو، اورتگا، توماس بورخه و لایلا خالد، الگو بودند و جمیله بو پاشا و ابو جهاد و ژرژ حبش و کارلوس و نلسون ماندلا جاذبه داشتند.

در تاثیر از این فضا و در چالش با ابتذال دنیای سرمایه داری، هنرمندان، شعراء و نویسندگان مردمی، بهترین فیلم ها، نمایشنامه ها، تندیس ها، ملودی ها، سرودها و کتب انقلابی را خلق می کردند...

«وتو» ی همیشگی آمریکا به نفع اسرائیل، و جانبداری اسرائیل از رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بسیار دافعه داشت. وجدان آمریکائی‌های شریف از جنایات و دخالت های ارتش زورگوی کشورشان در ویتنام، و پیش تر اندونزی و کامبوج و لائوس و آنگولا و شیلی و یونان و کنگو و گواتمالا و ایران زمان مصدق... جریحه دار بود و نسبت به شعارهایی چون «یانکی برو گم شو» که خلق های تحت ستم سر می دادند، دافعه نداشت و امثال «فوکومایا» مرگ آرمانخواهی و تئوری پایان تاریخ را دم نگرفته بودند.

در چنین اوضاع و احوال و در چارچوب جنگ سرد و حمایت مهم شوروی و کشورهای غیر متعهد که همه دوست شوروی بودند و ریاست مجمع عمومی که با الجزایر (عبدالعزیز بوتفلیقه) بود، ابو عمّار (یاسر عرفات)، شور و خروش رزمندگان راه آزادی را در سازمان ملل منعکس نمود.

.....

### **بچه ها، عرفات. عرفات، می‌خواد حرف بزنه...**

۲۲ آبان سال ۵۲ روزی که خبر رسید نمایندگان دولت اسرائیل «به خاطر حضور تروریست یاسر عرفات در سازمان ملل»، قهر کرده و از سالن بیرون رفته اند، در زندان قصر ولوله شد. من در بند «یک و هفت و هشت» بودم. یادم می‌آید چهارشنبه بود و هوا کمی دم‌گرفته... و شام هم پنیر و حلوا ارده داشتیم. یکی از زندانیان داد زد بچه ها عرفات.... همه به سوی تلویزیون دویدیم تا به سخنان او گوش کنیم... حتی «جیمی» هم آمد !

هیبت الله معینی، چنگیز احمدی، حمید حمیدبیگی، یحیی رحیمی، طاووسیان، رضی الله تابان، علی ماهباز، یوسف کشی زاده، رضا سلاحی، حسین سلاحی، مجید نعیمی، حسین ملایری، حمید حسینی، هادی غفاری، ابوالفضل شکوری، غلامحسین کرباسچی، ...عسکریان، کیوان صمیمی، اسدالله بادامچیان، جاج پیاده، عبدالمجید معادیکخواه، رسول اسلام، طیب سیادتی، سلیمان تیکان تپه، ...شیر علی، حسن خامنه ای، هاشمی گلپایگانی، آزاد منزوی، فیروز قریشی، صمد...، شیخ محمد تقی حسینی طباطبایی، جعفر شجونی، جلال گنجه ای، مرتضی نبوی، احمد پورنجاتی، حسن رحیمی، عباس همایون نژاد، مسعود عدل، مسعود کلانی، ابوذر ورداسبی، جواد زرگران، حسین ذوالفقاری، علیرضا معدنچی، حسن طهماسبی، محمد مهاجری، حسین جنتی، مسعود ایزدخواه کرمانی، عطاالله نوریان، علیرضا جلوخانی، سعید اعتمادی، ...سحادی، علیرضا منّانی و خیلی های دیگر... حضور داشتند.

خالق رُمان «کلیدر» نیز کنار «جیمی»، روی زمین و رو به تلویزیون چهار زانو نشسته بود و سخنان عرفات را به دقت گوش می‌داد.

جیمی، رنج‌دیده و زحمتکش بود. جرم سیاسی نداشت و زندانبانان اجازه می‌دادند از زیر هشت سینی های غذا را روی سرش بگذارد و داخل بند بیاورد. رابطه او با همه ما و بخصوص آقای محمود دولت آبادی گرم بود.

همه اش می‌گفت بنام این عرفات را، خیلی خایه داره والله...  
خار اسرائیل و آمریکا را گا...، ماشالله، ماشالله...  
فرداش گفتم جیمی، می‌دونی عرفات چی گفت؟ گفت نه والله، اینا دیگه نمی‌دونم...

### چرا عرفات سخنانش را با بسم الله شروع نکرد؟!

آنروز شور و شوق همه را فرا گرفته بود. عرفات از صهیونیسم، و پیوند استعمار و ارتجاع سخن می‌گفت و نشان می‌داد یهودیان فرهیخته نیز، از نژادپرستی دل پُرخونی دارند. سالها است که از آن پائیز و آن غروب می‌گذرد اما حرف های او که البته جمعیندی رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین بود، امروز و همیشه تازگی دارد. یاد «محمود درویش» بخیر که در نگارش آن سند تاریخی نقش بسیار داشت.

شنیدم کسانی می‌گفتند چرا عرفات سخنانش را با بسم الله شروع نکرد؟!...  
خیلی ناراحت شدم و به یکی از آنان که وقت و بیوقت به مقامات نامه می‌نوشت تا «آزاد» شود گفتم چه فایده دارد آدم همه اش بسم الله بگوید و ورد بخواند اما روزی هزار بار به هزار بُت سجده کند؟

سخنرانی عرفات آمیخته با واقع بینی سیاسی بود و در آن سال ها که گفتمان مبارزه مسلحانه، حرف اول را می‌زد، برخی را در خود فرو بُرد و می‌پرسیدند موضع ژرژ حبش در مورد این سخنرانی چیست؟ ژرژ حبش با پذیرش احتمالی راه حل مبتنی بر مذاکره، نظر مساعد نداشت اما بعدها (سال ۱۹۷۹)، طرح عرفات (قبول هرقسمت از فلسطین که بتواند آزاد شود) را پذیرفت.

### کت سفید عرفات و جلد خالی سلاح کمری

عرفات به جای اورکت سبز رنگ نظامی که همیشه بر تن داشت، با «چفیه» ای که تا آخرین روزهای حیاتش بر سر می‌گذاشت، کت سفید رنگی پوشیده و پیراهنش به رنگ زیتون بود. وقتی پشت میز سخنرانی قرار گرفت، عینک دودی اش را نیم‌دقیقه‌ای بر چشم نگاهداشت، سپس برداشت و با روی گشاده و صلابت و مهربانی سخنان خود را آغاز نمود.  
آیا می‌خواست نشان دهد که تا رزمنده راه آزادی مجبور نباشد در پس پرده نمی‌رود؟ برای همین عینک دودی اش را برداشت و کت سفید به تن کرد؟

عرفات می‌دانست در جهانی که انسان گریز انسان است و شاخه زیتون را هم در دستش می‌شکنند، نباید به تعارفات دلخوش کند و نمی‌تواند تفنگش را زمین بگذارد، از این رو آگاهانه کوشید جلد خالی «کلت» اش را هم شده، نشان دهد.

وقتی از شاخه زیتون سخن گفت، هنگام بلند کردن دست‌ها، سلاح کمربندی اش در معرض دید نمایندگان کشور های جهان قرار گرفت و چون بر خلاف آئین نامه های سازمان ملل بود، کورت والد‌هایم دبیرکل وقت پادرمیانی کرد و گفت: جلد خالی بوده است.

\*\*\*

دو سال بعد در زندان مشهد، زنده‌یاد شکرالله پاک‌نژاد (شُکری)، آن سخنان تاریخی را به میان کشید. یاد می‌آید که او این بخش از سخنان عرفات را با وجد و سرور تکرار می‌کرد: «مگر نه این که انقلاب به معنی تحقق بخشیدن به رؤیایها و امیدها است؟»

سخنرانی یاسر عرفات در سازمان ملل، فقط مربوط به فلسطین نیست. نکاتی در آن نهفته است که امروز و همیشه تازگی دارد.

شگفتا که تاکنون نه دوستان و نه دشمنان یاسر عرفات متن کامل این سند تاریخی را در اختیار مردم قرار نداده‌اند و کلیت آن برای بسیاری از هواداران سازمان های سیاسی نیز آشنا نیست. آنها نیز تنها این جمله از سخنان عرفات را شنیده‌اند:

«امروز من آمده‌ام با یک شاخه زیتون در یک دست و تفنگ رزمنده راه آزادی در دست دیگر، کاری نکنید که شاخه زیتون از دست من رها شود.» ...

.....

### **عبدالعزیز بوتفلیقه به عرفات خوش‌آمد می‌گوید.**

ساعت ده و نیم صبح سیزدهم آوریل ۱۹۷۴، عبدالعزیز بوتفلیقه که ریاست مجمع عمومی سازمان ملل را بعهده داشت، به زبان فرانسه، تصمیم‌اعضاء (در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۷۴)، مبنی بر دعوت از نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین برای شرکت در مذاکرات مجمع عمومی سازمان ملل را یادآور شد و بعد به زبان عربی، به یاسر عرفات خوش‌آمد گفت و از او خواست سخنان خود را آغاز نماید. عرفات که به زبان عربی سخن می‌گفت، به نام مردم و سازمان آزادیبخش فلسطین، از عبدالعزیز بوتفلیقه تشکر کرد و انقلاب الجزایر، و آرمان آزادی و عدالت و صلح را ستود... او همچنین از «کورت والت‌هایم» Kurt Waldheim دبیر کل سازمان ملل هم قدردانی نمود و از اینکه سه کشور گینه بیسائو، بنگلادش و گرانادا به استقلال دست یافته و به سازمان ملل راه یافته‌اند ابراز شادمانی کرد و با تشکر از اینکه قضیه فلسطین در دستور کار سازمان ملل قرار گرفته و هیئت فلسطین نیز دعوت شده است، افزود:

ترکیب کنونی نمایندگان سازمان ملل، با آنچه گذشته بوده بسیار متفاوت است، جهان امروز هم جهان دیروز نیست، به همین دلیل ستم‌دیدگان در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین به شما که نمایندگان ۱۲۸

کشور جهان هستید و کم و بیش نظرات خانواده ملل را بازتاب می‌دهید، چشم دوخته‌اند تا جانب مظلوم را بگیرند و کنار ستمگر نایستند.

نسبت به اجرای اصول مندرج در منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر اظهار امیدواری کرد و استعمار و امپریالیسم و نژادپرستی را از جمله موانع صلح و عدالت و آزادی، برشمرد... عرفات با اشاره به ضرورت همزیستی مسالمت آمیز و احترام متقابل، یادآور شد جامعه بین المللی باید از مبارزه مردم ستمدیده برای کسب آزادی حمایت کند و به حق آنان در تعیین سرنوشت خود احترام بگذارد. دنیایی که نشانه صلح و برابری و آزادی است، اسیر فقر و قحطی و بیماری و تبعیض نژادی شده و استثمار و جنگ و بحران تهدیدش می‌کند... زیمبابوه، نامیبیا، آفریقای جنوبی و فلسطین و... هنوز قربانی ظلم و خشونت و تجاوز و ترور است... عرفات با اشاره به ویتنام و لائوس و کره، گفت هنوز در هندوچین، خطر ستم و تجاوز و توطئه باقی است و صلح در دسترس نیست...

### **بلای جنگ و استثمار کشورهای فقیر ادامه دارد.**

بلای جنگ، غارت مواد خام و استثمار کشورهای فقیر، ادامه دارد و مسابقه تسلیحاتی و گسترش سلاح انمی، صلح جهانی را تهدید می‌کند، مخارج سرسام آوری که صرف کشتار می‌شود به مراتب از آنچه باید در راه علم و سعادت انسان به کار رود کمتر است. شگفتا که با هواپیما و بمب و با همه نوع سلاح مرگبار به مردم بی‌پناه تجاوز می‌شود و آمریکا با مواضع خصمانه، جانب متجاوز را می‌گیرد. من از مردم آمریکا درخواست پشتیبانی می‌کنم و از آنان سؤال میکنم ما چه گناهی کرده ایم؟ می‌خواهم آنان جانب مردم و مبارزه قهرمانانه آنان را بگیرند. فراخوان جورج واشنگتن و آبراهام لینکلن و ودر و ویلسون...هم جز این نبود... عرفات در مقدمه صحبتش ضمن اشاره به کنفرانس حقوق دریاها در کاراکاس، کنفرانس جهانی جمعیت در بخارست و کنفرانس جهانی غذا در رم، به رنج مردم قبرس هم گوشه زد و سپس مسائل اصلی خود را طرح نمود.



به نام خلق فلسطین، رهبران مقاومت و سازمان آزادیبخش فلسطین به خاطر دعوت برای شرکت در نشست عمومی سازمان ملل که با شرکت تمامی اعضاء برگزار می‌گردد، سپاسگزارم و از همه نمایندگان کشورهای عضو که تصمیم گرفتند مسئله فلسطین به عنوان موضوعی جداگانه بررسی شود قدردانی می‌کنم، قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل برای دعوت ما و ایراد سخنرانی، با تصمیم شما صورت گرفت و به عمل درآمد.

.....

### **ریشه مسئله فلسطین به سالهای آخر قرن ۱۹، بر می‌گردد،**

ریشه مسئله فلسطین به سالهای آخر قرن ۱۹، بر می‌گردد، به دورانی که ما آنرا بنا بر شناخت امروز خود عصر استعمار یا عصر تشکیل مستعمرات می‌نامیم، یعنی دقیقاً زمانی که صهیونیسم علم شد تا توسط مهاجران اروپائی، فلسطین زیر سیطره قرار گیرد، همانند استعمارگران که آفریقا را به زیر سلطه خویش کشیدند و بر آن تاختند.

این دوران عصری است که طی آن استعمار از غرب، به آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین می‌تازد و با بیرحمی تمام به استثمار مردم سه قاره می‌پردازد، ستم و غارتی که تا همین دوران ما نیز استمرار یافته و نژادگرایی در آفریقای جنوبی و فلسطین شاهد زنده آن است. صهیونیست‌ها دقیقاً همانند استعمارگران و نوکران عوامفریب شان که به ستم و تجاوز خویش رنگ مدنیّت و تمدن می‌زدند، به هنگام سلطه بر فلسطین، اهداف خود را پوشانده و در لباسی مبدل عرضه می‌داشتند.

مثل استعمارگران که برای استثمار آفریقا، و بندگی کشاندن مردم ستم‌دیده، از مذهب و رنگ و نژاد و زبان استفاده نمودند تا چپاول و غارت را توجیه کنند، (صهیونیستها نیز) به هنگام اشغال فلسطین و بیرون راندن مردم آن از سرزمین ملی خود همین روش‌ها را به کار گرفتند.

.....

### **اشغالگران، الهیات یهود را بر علیه مردم فلسطین به خدمت گرفتند.**

همان گونه که استعمار، رنجبران و استثمار شدگان را به عنوان مواد بی روح برای ساختن و تحقق بخشیدن به مستعمره نشینی مورد استفاده قرار داد، یهودیان استثمارشده نیز در خدمت کسانی قرار گرفتند که سر نخ صهیونیسم در دست آنان بود. به عبارت دیگر یهودیان اروپا نشین، عملاً به ابزار تجاوز رهبران جریان صهیونیستی و به عوامل و عناصر مستعمره نشینی تبدیل شده و با تبعیض نژادی خو گرفتند.

اشغالگران، الهیات یهود را بر علیه مردم فلسطین به خدمت گرفتند.

هدف تنها ایجاد مستعمره نشین هایی به سبک غربی نبود، جدا ساختن خود یهودیان از سرزمین های گوناگون و بیگانه ساختن آنها با ملت های خودشان نیز، جزو برنامه بود.

صهیونیسم، ایدئولوژی امپریالیستی و استعماری و عمیقاً ارتجاعی است که تبعیض نژادی را توجیه می‌کند و به دلیل دیدگاه واپسگرایانه اش دقیقاً با یهود ستیزی (آنتی سمیتیزم) هماهنگ است و در تحلیل نهایی روی دیگر همان سکه اصلی است. چرا؟ چون پیشنهاد می‌شود که کسانی که به آیین یهود می‌پیوندند میهن اصلی خود را فراموش کنند و به ارض موعود بچسبند، نه این که با دیگر هموطنان غیر یهودی خویش برابر باشند. در واقع این همان یهود ستیزی است اما، به شکلی جدید رخ می‌نماید.

وقتی عنوان می‌شود که تنها راه حل مسئله یهود این است که یهودیان از جوامعی که در گذشته بخشی از تاریخ آن را تشکیل می‌دادند، جدا و بیگانه شوند، زمانی که اظهار می‌گردد باید از طریق مهاجرت و اسکان اجباری در سرزمین مردمی دیگر، وظیفه خود را به مسئله یهود انجام دهند! در این جا همان نقشه ای پیش می‌رود که یهودستیزان در گذشته علیه قوم یهود به کار می‌بردند. به همین دلیل می‌توان به رابطه «سیسیل رودس» Cecil Rhodes (که در جنوب شرقی آفریقا موجب رشد مستعمره نشینی شد) و «تئودور هرتسل» Theodor Herzl (که برای فلسطین نقشه های مستعمره نشینی در سر داشت)، پی برد.

«هرتسل» که جواز خود را به عنوان یک مستعمره نشین خوش اخلاق، دریافت کرده بود روی بدین سوی کرد و این جواز را به حکومت انگلیس عرضه نمود با این امید که زمینه را برای صدور یک قطعنامه رسمی مبنی بر حمایت از صهیونیست ها مساعد گرداند. در برابر این اقدام، صهیونیست ها استقرار یک پایگاه امپریالیستی در سرزمین فلسطین را به انگلستان قول دادند. به طوریکه منافع بریتانیا بتواند در یکی از نقاط دقیقاً استراتژیک تضمین گردد.

### جامعه ملل مردم ما را یکه و تنها گذاشت.

هجوم یهودیان به فلسطین در سال ۱۸۸۱ آغاز شد. قبل از این که اولین موج بزرگ مهاجران وارد شوند جمعیت فلسطین که اکثریت آن را مسلمانان و مسیحیان تشکیل می‌دادند حدود نیم میلیون، و جمعیت یهود حدود ۲۰ هزار نفر بود و همه مردم هم از آزادی مذهب که از ویژگی های تمدن ما است برخوردار بودند.

فلسطین در آن زمان سرزمینی بود سرسبز که اکثریت آن را اعراب تشکیل می‌دادند که با کار و تلاش و پویایی، به غنی سازی فرهنگ بومی خود بها می‌دادند.

نهضت صهیونیست طی سال های ۱۸۸۲ تا ۱۹۱۷ حدود ۵۰ هزار یهودی اروپایی را به سرزمین ما کشید. برای انجام این کار و برای به اصطلاح جوش دادن آن ها به جامعه ما به خدعه و نیرنگ متوسل شدند.



بار دیگر وحدت و همکاری بین صهیونیسم و امپریالیسم با قانع شدن انگلستان نسبت به صدور «اعلامیه بالفور»، خود را نشان داد. وعده اعطای سرزمین فلسطین، به جنبش صهیونیستی نشان داد امپریالیست ها تا چه حد شقاوت پیشه و جبارند. جامعه ملل League of Nations هم که در آن زمان تشکیل شده بود مردم ما را یکه و تنها گذاشت و تعهدات و وعده وعیدهای ویلسون *Woodrow Wilson* را به هیچ گرفت. تحت عنوان قیومیت، سلطه انگلیس به طور مستقیم و بیرحمانه بر ما تحمیل شد. مراد از سند قیومیت که توسط جامعه ملل هم صادر گشت، این بود که مهاجمان میخ خود را در سرزمین ما محکم بکوبند و برای تحکیم دستاوردهای خود در وطن ما قلدربازی در آورند.

### **با همکاری انگلیس و آمریکا، فلسطین تکه پاره و بخشیده شد !**

در آستانه صدور «اعلامیه بالفور» و طی یک دوره سه ساله، صهیونیسم با همکاری متحد خود امپریالیسم موفق شد تعداد بازهم بیشتری از یهودیان اروپایی را به سرزمین ما بکشاند و حتی موجب سلب اختیار یهودیان عرب فلسطین از دارایی های خویش گردید. در سال ۱۹۴۷ تعداد یهودیان به ۶۰۰ هزار نفر رسید که در آن هنگام مالک ۶ درصد از زمین های قابل کشت فلسطین بودند. در نتیجه همکاری میان قدرت قیم (انگلیس)، و جریان صهیونیستی و با پشتیبانی ایالات متحده، در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی در سالهای اول تأسیس خود توصیه نمود میهن فلسطینی ما تکه پاره و بخشیده شود ! این توطئه در اثر رفتار مشکوک و اعمال فشارهای شدید در فضایی مسموم تحقق پذیرفت. مجمع عمومی به تقسیم سرزمینی غیرقابل تجزیه، به تقسیم چیزی که از لحاظ حقوقی حق انجام آن را نداشت پرداخت. اما موضع ما چه بود؟ موضع ما هنگامی که با آن تصمیم زشت به مخالفت برخاستیم با موقعیت مادری که در مقابل ادعای یک نامادری دایر بر مالکیت یک فرزند واحد اجازه نداد شاه سلیمان فرزندش را به دو نیم تقسیم کند و با جدایی از فرزندش موافقت نمود - قابل مقایسه است. با این که قطعنامه مزبور، ۵۴ درصد از سرزمین فلسطین را به استعمارگران واگذار کرد، اشغالگران بازهم ناخشنود بودند ! ناخشنودی از این تصمیم آنان را به جنگی هولناک برعلیه مردم غیرنظامی عرب برانگیخت تا جایی که ۸۱ درصد از کل سرزمین فلسطین را اشغال نموده، یک میلیون عرب را از خانه و کاشانه خود دربردار ساختند، به ۵۲۴ شهر و روستای عربی تجاوز نمودند که از آن میان ۳۸۵ شهر و روستا به کلی ویران و از صفحه روزگار محو شد، صهیونیست ها اماکن مسکونی و مستعمره نشین های خود را برفراز ویرانه ها، کشتزارها و باغ های ما بنا کردند، اما باز هم طلبکارانه حرف زور می زدند.

## مسئله فلسطین کشمکش میان دو مذهب و دو ملت نیست.

ریشه قضیه فلسطین در این جاست که این مسئله هیچگونه - هیچگونه کشمکش میان دو مذهب و دو ملت نیست. همچنین این موضوع یک اختلاف مرزی میان کشورهای همسایه هم نیست، بلکه مربوط است به خواسته های گروهی از مردم که از زندگی در موطن خویش محروم گشته پراکنده و بی خانمان شده و اکثرا در تبعید و آوارگی به سر می‌برند. همین و بس. اسرائیل با حمایت نیروهای امپریالیستی و استعماری بخصوص آمریکا، توانست خود را به عنوان عضوی از سازمان ملل قالب کند. علاوه بر این موفق شد مسئله فلسطین را از دستور جلسه سازمان ملل حذف و با ارائه خواسته ما به صورت آوارگان بیچاره و بدبختی که نیازمند کمک نیکوکارانند و یا مسئله افرادی که محتاجند در سرزمین بیگانه! اسکان یابند، افکار عمومی جهان را منحرف نماید. با این همه، شگفتا بازهم نژاد پرستان راضی و خشنود نبودند.

آنان بر اساس تفکر امپریالیستی - استعماری محل اسکان خویش را به پایگاهی برای امپریالیست ها و انبار سلاح مبدل ساختند و این امر به آنان امکان داد رفتار سلطه طلبانه را علیه اعراب ادامه دهند.

## همه شیوه های مسالمت آمیز با ناکامی روبرو شد.

اسرائیل علاوه بر بسیاری از موارد تجاوز که علیه کشورهای عربی روا داشت در سالهای ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ به دو جنگ ظالمانه دست یازید و به این ترتیب صلح و امنیت جهانی را به بازی گرفت. به دنبال تجاوز صهیونیستی در ژوئن ۱۹۶۷ صحرای سینای مصر را تا کانال سوئز اشغال نمود و علاوه بر همه سرزمین های فلسطینی که در غرب رود اردن واقع هستند، بلندی های جولان در سوریه را نیز گرفت و این رویدادها بود که مسئله خاورمیانه را بر سر زبان ها انداخت و می دانیم پافشاری دشمن در حفظ و ادامه اشغال غیرقانونی و تحکیم بیشتر آن و آن گاه ایجاد یک پایگاه عملیاتی برای نفوذ امپریالیسم جهانی در میان ملت عرب، اوضاع را بهم ریخت.

اسرائیل تمامی مصوبات شورای امنیت و نیز درخواست های افکار عمومی جهان را دایره بر عقب نشینی از سرزمین هایی که در سال ۱۹۶۷ اشغال گردید، نادیده انگاشت و می بینیم که همه کوشش های صلح آمیز در سطح جهانی نتوانست آنان را از سیاست توسعه طلبانه خود باز دارد. پس از این که همه شیوه های مسالمت آمیز با ناکامی روبرو شد، تنها راه باقی مانده برای ملت های عرب... آماده سازی خویش برای مقاومت در برابر حملات مسلحانه بود تا سرزمین های عربی را آزاد نموده و حقوق مردم فلسطین را از نو احیا کنند.

در این شرایط جنگ چهارم در اکتبر ۱۹۷۳ آغاز شد و برای صهیونیست ها ورشکستگی سیاست اشغال، توسعه طلبی و اتکای هرچه تمام تر به قدرت نظامی را به ارمغان آورد. اما دشمن باز هم از

تجربیات خود درس نمی‌گیرد و خود را برای جنگ پنجم آماده نموده، بار دیگر در روابط خود با اعراب با برتری نظامی و سرکوب و تروریسم و سرانجام اشاره مستمر به جنگ، شاخ و شونه می‌کشد.

### **فلسطین گهواره یکی از باستانی ترین فرهنگ ها و تمدن ها است.**

برای مردم ما خیلی دردناک است که شاهد تبلیغ این دروغ و افسانه باشند که گویی سرزمین ما بیابانی بوده که با کار و تلاش استعمارگران بیگانه گلستان گشته است! سرزمینی بوده بدون سکنه که موجودیت استعمار هیچ گونه، هیچ گونه لطمه ای بر هیچ کسی وارد نساخته است!

نه، نه، این گونه اراجیف باید همین جا افشا شود. دنیا باید بداند که فلسطین گهواره یکی از باستانی ترین فرهنگ ها و تمدن ها بوده است. مردم آن به کار کشاورزی و ساختمان اشتغال داشته و هزاران سال فرهنگ خود را به دورترین نقاط جهان گسترش می‌داده‌اند و با ایفای نقش محافظان وفادار اماکن مقدسه همه ادیان، برای آزادی عبادات الگویی ایجاد نمودند. من به عنوان فرزند بیت المقدس، ازهمزیستی و اخوت دینی که مظهر شهر مقدس ما قبل از تسلیم آن در برابر فاجعه بود، خاطراتی شکوهمند و افتخار آفرین برای خود و مردم خویش محفوظ نگاه داشته‌ام.

ما این خط مشی روشن را تا مرحله تأسیس کشور اسرائیل و پراکندگی خود ادامه دادیم و این امر باعث نشد وظایف انسانی خود را در سرزمین فلسطین از یاد ببریم. فلسطینی ها اجازه نخواهند داد که سرزمین شان به صورت پایگاهی برای تجاوز و یا اردوگاه نژاد پرستان برای نابودی تمدن و فرهنگ و ترقی و صلح در آید. مردم چاره ای جز این ندارند که میراث نیاکان خود را با مقاومت در برابر مهاجمان حفظ نموده و با دفاع از سرزمین بومی خود، ملیت عربی و فرهنگ و تمدن را پاس داشته، برای تأمین امنیت این سرزمین که گاهواره آیین توحید است، تلاش نمایند.

### **حمایت همیشگی اسرائیل از امپریالیست ها و نژادپرستان**

در مقابل کافی است تنها به نحو اجمال به برخی از مواضع اسرائیل اشاره کنم: پشتیبانی از نیروهای عقب مانده و سازمان مخفی در الجزیره، جانبداری از استعمارگران مستقر در آفریقا، کنگو، آنگولا، موزامبیک، زیمبابوه، تانزانیا و بالاخره حمایت از رفتار سرکوبگرانه ویتنام جنوبی در برابر انقلاب ویتنام.

از این گذشته می‌توان حمایت همیشگی اسرائیل از امپریالیست ها و نژادپرستان در همه نقاط و موضع سدکننده آن را در کمیته ۲۴ (که اعطای استقلال به کشورها و مردم مستعمرات را مد نظر قرار می‌دهد)، یاد کرد.

می‌توان خودداری اسرائیل از دادن رأی موافق در پشتیبانی از استقلال کشورهای آفریقایی و را یادآور شد.

می‌توان مخالفت با خواسته‌های به حق بسیاری از ملل آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و بسیاری از کشورهای دیگر در کنفرانس‌های مربوط به مواد اولیه، جمعیت، حقوق دریاها و تغذیه، را عنوان نمود. این‌ها مواردی است که خصلت‌ها و ویژگی‌های دشمنی را که به سرزمین ما چشم‌طمع دوخته، به معرض نمایش می‌گذارد و مشت او را باز می‌کند و، همین واقعیت‌ها است که مبارزه شرافتمندانه و افتخار آفرین ما را علیه استعمار و ارتجاع توجیه می‌کند.

.....

### **رهبری صهیونیسم، از یهودکشی بهره‌ها گرفت.**

درست در هنگامی که ما از دورنمای آینده دفاع می‌کنیم صهیونیست‌ها رو به گذشته دارند. دشمن ما حتی دارای یک سابقه طولانی عداوت نسبت به یهودیان محروم نیز هست. چرا؟ چون در جوهر صهیونیسم نوعی نژاد پرستی ذاتی نسبت به یهودیان شرقی وجود دارد. زمانی که ما با تمام وجود، کشتار یهودیان توسط نازیسم را محکوم می‌کردیم به نظر می‌رسید رهبری صهیونیسم که در آن زمان نیز بیشتر مایل بود در بوق مهاجرت بدمد و پرچم پیش به سوی ارض موعود را بالاتر برد، خوشحال بود! به چه دلیل؟ (گویی آنان خواهان آن وضع بودند)، به این خاطر که از یهودکشی، برای سرعت بخشیدن به تحقق اهداف خویش و مهاجرت یهود به فلسطین بهره گرفتند.

اگر مقصود از مهاجرت یهودیان به فلسطین زندگی در کنار ما و بهره‌مند شدن از همان حقوق و انجام همان وظائف بود که اصلاً مسئله‌ای نبود. ما درهای میهن خویش را تا آنجا که ممکن بود به رویشان گشوده بودیم. هزاران ارمنی و چرکسی که هنوز هم مثل خواهر و برادر در میان ما زندگی می‌کنند شاهد این مدعا هستند، اما وقتی هدف از این به اصطلاح مهاجرت اشغال یک سرزمین و دربر ساختن مردم و تبدیل ما به شهروندان درجه دوم باشد، چیزی است که هیچکس نباید تقاضای موافقت و تسلیم ما را داشته باشد.

.....

### **انقلاب ما تحت تاثیر عوامل نژادی یا مذهبی قرار ندارد.**

بنابراین انقلاب ما از همان آغاز، تحت تاثیر عوامل نژادی یا مذهبی قرار نداشته، آماج آن نه به یهود به عنوان فرد، بلکه صهیونیسم نژادگرا و تجاوز پیشه بوده است. انقلاب ما در معنی اخیر، انقلابی برای یهود به عنوان یک انسان نیز، هست. ما تلاش می‌کنیم که یهودیان مسیحیان و مسلمانان در برابری با یکدیگر زندگی کنند، از حقوق برابر بهره‌مند باشند و فارغ از تبعیض‌های نژادی یا مذهبی به وظائف یکسان خویش اشتغال ورزند. ما بین یهودیت و صهیونیسم فرق می‌گذاریم، در حالیکه به مخالفت با جنبش استعماری و صهیونیستی ادامه می‌دهیم و به آئین یهود احترام می‌گذاریم.

\*\*\*

من امروز که حدود یک قرن از ظهور صهیونیسم می‌گذرد، می‌خواهیم نسبت به خطر روزافزون آن برای همه، برای یهودیان جهان، برای اعراب و برای صلح جهانی هشدار دهم، چرا؟ چون صهیونیسم (با لعاب مذهب) یهودیان را از سرزمین خود به مهاجرت ترغیب می‌کند و ملیت جعلی به آنان می‌دهد.

با اینکه مشخص شده که رفتار تروریست‌گونه صهیونیستها راه به جایی نمی‌برد، بازهم آنرا ادامه می‌دهند، غافل از اینکه دژهای استعمار و نژادپرستی فرو می‌ریزد و مهاجرت از اسرائیل آغاز شده و این واقعیت شکست آنان را به نمایش گذاشته است.

از مردم و حکومت‌های جهان می‌خواهیم که راسخ و استوار در برابر تلاش صهیونیست‌ها... بایستند و با هر نوع تبعیض مذهبی و نژادی و مربوط به رنگ پوست در مورد هر فرد انسان به شدت مخالفت کنند. اگر در اندیشه برخی از مردم جهان در زمینه مسئله مهاجرت یهودیان ابهامی وجود دارد، چرا مردم عرب و فلسطینی باید تاوانش را بپردازند؟ برای چی حامیان این به اصطلاح راه حل‌ها، درهای کشور خود را بسوی آنها نمی‌گشایند؟

کسانی که صلاح می‌بینند ما را تروریست بنامند، تمایل دارند افکار عمومی جهان را از کشف حقیقت در باره ما و مشاهده حقانیت چهره‌های ما باز دارند، آنها تلاش می‌کنند که موضع دفاعی ما را و نیز رفتار جابرانه و تروریسم خود را پنهان کنند.

.....

### **تفاوت یک انقلابی و یک تروریست در منطق جنگ و مبارزه آنها نهفته است.**

نمی‌توان کسانی را که از آرمانهای عادلانه پشتیبانی می‌کنند و در راه آزادی و رهائی سرزمین خود به جنگ ظالمان، متجاوزان و استعمارگران می‌روند، تروریست نامید. اگر برآستی چنین باشد پس مردم آمریکا در مبارزه خود برای رهائی از سلطه بریتانیا تروریست هستند!

مقاومت اروپا علیه نازیسم هم، تروریسم محسوب می‌شود!

مبارزه مردم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نیز چیزی جز تروریسم نیست! و بسیاری از شما را هم که در همین سالن نشسته اید، تروریست می‌خواندند.

این مبارزه، مبارزه عادلانه و خالصانه‌ای است که در منشور سازمان ملل و نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر از آن با احترام تمام یاد شده است. کسانی که روبروی آرمان‌های عدالت خواهانه می‌ایستند، کسانی که (شعارهای دروغین را علم میکنند اما در واقع) با هدف به سلطه کشیدن و غارت دیگران جنگ و خونریزی راه می‌اندازند، جنایتکاران جنگی محسوب می‌شوند و آنها هستند که باید زیر سؤال بروند نه ما. حقانیت آرمان، توجیه کننده حق مبارزه است.

در اسناد رسمی ما تروریسم صهیونیسم که علیه مردم فلسطین، برای اخراج آنها از کشورشان و غصب سرزمین‌شان اعمال می‌کنند، به ثبت رسیده است.

هزاران نفر از مردم ما در شهرها و روستاهای خود قتل عام شدند، دهها هزار نفر به زور اسلحه، خانه و کاشانه خویش را رها نمودند، آواره کوه و صحرا شده، مجبور گشته‌اند در بیابان سرگردان شده، بی آب و غذا سربه کوه بگذارند.

## دشمن صهیونیستی از نفرت تغذیه می‌کند.

هر کس که در سال ۱۹۴۸ شاهد فاجعه ای که برای ساکنان صدها شهر و روستا در حیفا، رام‌الله، لیدا و جلیله روی داد - بوده است آن تراژدی را هرگز فراموش نخواهد کرد. البته اختناق عمومی در مخفی نگاه داشتن آن فجایع موفق بوده است. اگر در آن زمان آثار ۳۸۵ شهر و روستای فلسطینی را که ویران و از نقشه زدوده شده پنهان نگاه داشتند انهدام ۱۹ هزار خانه در خلال هفت سال گذشته که به معنی نابودی کامل ۲۰۰ روستای دیگر فلسطین است و تعداد بسیار کسانی که در نتیجه شقاوت زندانبانان اسرائیل معلول و مجروح شدند را نمی‌توان تحت هیچ سرپوشی پنهان نگاه داشت.

دشمن صهیونیستی از نفرت تغذیه می‌کند. نفرتی که حتی شجره صلح، درخت زیتون را نیز در کشور من آماج قرار داده بود. شجره زیتون را که مظهر غرور ما است و یادآور نیاکان ما و یادبود زنده ای از سرزمین فلسطین بود.

چگونه می‌توان عبارت خانم گلدامایر را که ضمن آن ناراحتی خود را از تولد روز افزون فرزندان فلسطین ابراز داشت توصیف کرد؟

آن‌ها علناً کودکان و درختان فلسطین را دشمنانی تصور می‌کنند که باید قلع و قمع گردد. دهها سال است که صهیونیست‌ها در برابر رهبران فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و هنری مردم ما سنگ می‌اندازند و به ایجاد رعب و وحشت و کشتار مردم ما مشغولند.

آنان میراث فرهنگی و فرهنگ توده ما را به سرقت برده‌اند. حتی به اماکن مقدسه در بیت المقدس صلح طلب نیز دست درازی می‌کنند. تلاش کرده‌اند تا با اخراج ساکنان و الحاق شهر، آن را غیرعربی ساخته ویژگی‌های اسلامی و مسیحی‌اش را کم رنگ کنند.

من باید آتش سوزی مسجدالاقصی را در بیت المقدس به یاد بیاورم و همچنین تخریب بسیاری از آثار تاریخی که دارای ویژگی‌های تاریخی فرهنگی است.

بیت المقدس با ارزش‌های معنوی و تاریخ مذهبی‌اش شاهدهی برای آینده و دلیلی است بر حضور ابدی تمدن و ارزش‌های انسانی ما.

عجیب نیست که در زیر آسمان بیت المقدس مشعل سه مذهب درخشیدن گرفت تا نورش بر بشریت پرتو افکن شود و بتواند رنج‌ها و امیدهای انسانی را منعکس نماید...

اعراب فلسطینی که در سال ۱۹۴۸ به وسیله صهیونیست‌ها قلع و قمع نشدند نیز اکنون در موطن خود به شکل آواره زندگی می‌کنند. قوانین اسرائیل آن‌ها را شهروند درجه دو می‌بیند. نه - نه درجه سوم، زیرا یهودیان شرقی شهروندان درجه دوم محسوب می‌شوند. اعراب مزبور در معرض کلیه اشکال تبعیض نژادی، مصادره زمین و دارایی و تروریسم قرار داشته‌اند. قربانی کشتارهایی نظیر کفر قاسم بوده، از روستاهای خود اخراج شده و از حق بازگشت نیز محروم شده‌اند. چنان که بر ساکنان اکریت و کفر یوم گذشت.

مردم ما به مدت ۲۶ سال با حکومت نظامی روزگار گذرانده و بدون اجازه قبلی نمی‌توانند جا به جا شوند. این در حالی است که قوانین اسرائیل می‌گوید هر یهودی در هر جای جهان می‌تواند به اسرائیل بازگردد و حق شهروندی بگیرد.

جالب اینجا است که یکی از قوانین اسرائیل مقرر داشته، فلسطینی‌هایی که در زمان اشغال در شهرها و دهات خود حضور نداشتند، (یعنی آواره شده بودند) از حق داشتن شهروندی محرومند.

.....

### **مبارزه عادلانه یک خلق، ترور محسوب نمی‌شود.**

پیشینه حاکمان اسرائیل سرشار از عملیات تروریستی و جور و جفایی است که علیه مردم ما در صحرای سینا و بلندی‌های جولان که در محاصره و اشغال بودند، مرتکب شده‌اند. بمباران مدرسه «حر البکر» و کارخانه «ابو زایل» تنها دو نمونه از چنین رفتاری است. انهدام کامل شهر سوری قنیطره یک مورد دیگر از این تروریسم سازمان یافته دولتی است. اگر این پیشینه زشت در جنوب لبنان نیز گردآوری شود وقاحت و عظمت آن بی تفاوت ترین آدم‌ها را نیز در خود می‌برد.

سرزمین‌های سوخته، بمباران‌ها، دزدی‌های دریایی، تخریب‌های خانه، ربودن شهروندان... از جمله این شاهکارها است. این‌ها همه زمینه‌ای برای منحرف ساختن آب رودخانه لبنانی و تجاوز آشکار به حاکمیت لبنان است.

آیا نیاز است که من برای مجمع عمومی، قطعنامه‌های زیادی را که خودش تصویب کرده، تجاوزی که اسرائیل علیه کشورهای عربی مرتکب شده، و ستمی که نسبت به حقوق بشر و مواد کنوانسیون ژنو روا داشته،... یادآوری نمایم؟

تنها توصیفی که می‌توان از این اعمال به عمل آورد این است که این رفتار بربریت و تروریسم است و عجیب نیست که نژادپرستان صهیونیست آنقدر گستاخند که مبارزه عادلانه یک خلق را ترور می‌نامند. آیا تحریفی از این بیش‌زمانه تر وجود دارد؟

.....

### **مردم ما چاره‌ای جز مقاومت و نبرد ندارند.**

ما از کسانی که میهن‌مان را غصب کردند و با اتکاء به اعمال جنایتکارانه، نژاد پرستان آفریقای جنوبی را نیز رو سفید کردند، می‌خواهیم که قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که خواهان تعلیق یک ساله عضویت حکومت آفریقای جنوبی در سازمان ملل گشته بود را مورد نظر قرار دهند. این است سرنوشت اجتناب ناپذیر هر جریان مرتجع و نژاد پرستی که قانون جنگل را می‌پذیرد. میهن‌دیگران را غصب کرده، ستم روا می‌دارد.

مردم ما در ۳۰ سال گذشته، چاره‌ای نداشتند جز این که علیه اشغال بریتانیا و تهاجم صهیونیست‌ها که هدف هر دو یکسان بود، به نبرد برخیزند.

شش خیزش مهم و دهها قیام مردمی تدارک دیده شد. بیش از ۳۰ هزار شهید که در مقام مقایسه نسبی (نسبت به جمعیت) برابر با ۶ میلیون آمریکایی است، در جریان این امر جان باختند. هنگامی که در سال ۱۹۴۸ تقریباً تمام مردم ما دربدر و آواره شدند بازهم مبارزه برای تعیین سرنوشت اگر چه در دشوارترین شرایط ادامه یافت.

ما در این راه همه ابزارها را به کار گرفته و امتحان کردیم... حتی در تبعید نیز به فرزندان خود آموزش دادیم. می‌خواستیم زنده بمانیم. چرا؟ چون زندگی را دوست داشته و داریم.

.....

### از خلال مبارزه انقلابی، رهبری سیاسی به بلوغ می‌رسد.

مردم فلسطین هزاران پزشک، حقوق دان، پژوهشگر و معلم تربیت نمودند که فعالانه در رشد کشورهای همسایه مشارکت جستند. آنها از درآمد خویش برای کمک به جوانان و سالمندان و اردوگاه های آوارگان استفاده کردند. خواهران و برادران جوانشان را آموزش دادند. و در تمام این مدت در رویای بازگشت به سر بردند.

وفاداری به فلسطین و عشق به میهن هرگز در آنها خاموش نشد. گذشت زمان آنچنان که برخی دلخوش بودند موجب فراموشی شود نیز مؤثر نیافتاد و هنگامی که مردم ما فهمیدند که به جامعه بین المللی نمی‌توان چندان امید بست، هنگامی که فهمیدند تنها از طریق وسایل سیاسی حتی یک وجب خاکشان را هم پس نمی‌دهند و وقتی از در و دیوار جور و جفا دیدند چه چاره ای جز توسل به مبارزه مسلحانه داشتند؟

این مردم همه سرمایه های مادی و انسانی خویش را به پای این مبارزه ریختند. با رشادت تمام با تروریسم پلید اسرائیل که هدف آن به انحراف کشیدن مبارزه و متوقف ساختن آن بود به مقابله برخاستند.

هزاران شهید و... مجروح، معلول و زندانی داشته ایم تا به حق خودمان رسیده، سرنوشت مان را به دست گیریم و به سرزمین خودمان بازگردیم. مردم ما سلطه اشغالگران را تحمل نمی‌کنند، در برابر ستمگر می‌ایستند و بهای آنرا هرچه باشد، می‌پردازند...

البته، از خلال همین مبارزه انقلابی است که رهبری سیاسی به بلوغ می‌رسد و نهادها و موسسات لازم ساخته می‌شود...

اینک سازمان آزادیبخش فلسطین با شرکت همه مردم، علاوه بر مبارزه مسلحانه، مبارزات اجتماعی و سیاسی خود را هم پیش می‌برد...

باید یادآور شوم که ما برای تحقیقات علمی، توسعه کشاورزی و رفاه اجتماعی، احیای میراث فرهنگی و حفاظت از فرهنگ عامه، موسساتی تاسیس کرده ایم. شاعران، هنرمندان و نویسندگان فلسطینی، در اعتلای فرهنگ عربی نقش بسزایی دارند و تحسین جهانی را برانگیخته‌اند.

.....



## سازمان آزادیبخش فلسطین، یگانه نماینده مشروع مردم فلسطین است.

در مقابل دشمن ما به طور سیستماتیک فرهنگ ما را به نابودی کشیده و نژادپرستی را اشاعه داده است و با ایدئولوژی امپریالیستی، مانع پیشرفت، عدالت، دموکراسی و صلح شده است. من اینجا باید از کشورهای غیر متعهد، کشورهای سوسیالیستی، کشورهای اسلامی، کشورهای آفریقایی و دوستانمان در کشورهای اروپایی، آسیا، افریقا و امریکا لاتین تشکر کنم... یادآور می‌شوم که سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) یگانه نماینده مشروع مردم فلسطین است و آرزوها و امیدهای مردم ما را نمایندگی می‌کند... این مشروعیت از کجا می‌آید؟ از فداکاری و جانبازی و مبارزه برای آزادی...

باید بگویم که توده های فلسطینی از ما حمایت کرده و ساف (سازمان آزادیبخش فلسطین) را برگزیده اند.

نیاز به گفتن نیست که در آخرین اجلاس سران عرب از ساف با عنوان تنها نماینده مردم فلسطین یاد شده و همه جنبش های آزادیبخش نیز به این مشروعیت اذعان نموده اند...

### از بابت جنایاتی که علیه یهودیان روا داشته شده، متأسفیم.

جا دارد بگویم که در ده سال گذشته (از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۴) هزاران شهید و بیشتر و بیشتر مجروح و معلول و زندانی داشته ایم... اینک سالها است که مردم ما در معرض خسارت و غارت و ویرانی و آوارگی هستند و بهای آن را با خون فرزندان خویش می‌پردازند. چیزی که هرگز جبران نمی‌شود. بار اشغال، آوارگی و ویرانی را به دوش کشیدیم امّا، امّا، امّا این امور موجب انتقام جویی یا کینه و توسل به شیوه های نژادگرایانه دشمن نشد و همچنان ما بر اصول خویش پایدار ماندیم و روش حقیقی شناخت دوست از دشمن را از دست ندادیم. به همان نسبت که از بابت جنایاتی که علیه یهودیان روا داشته شده متأسف هستیم تبعیض های زیادی که در رابطه با اعتقادات آنها بر آنان اعمال گردید نیز برایمان اندوهبار است.

### من یک عصیانگرم و آزادی آرمان من است.

من یک عصیانگرم و آزادی آرمان من است. به خوبی می‌دانم که بسیاری از شما که امروز اینجا هستید روزی دقیقاً در همان موضع مقاومتی قرار داشتید که من امروز در آن هستم. شما نیز روزگاری ناگزیر بودید که رویاها را به واقعیت تبدیل کنید. پس شما در رویای من سهیم باشید. پس دقیقاً من می‌توانم از شما تقاضای یاری کنم که رویای خود و رویای مشترک را برای آینده ای صلح آمیز در سرزمین مقدس فلسطین به واقعیت تابناک مبدل کنیم.

«آهود آدیف» Ahud Adif یهودی انقلابی وقتی در مقابل یک دادگاه نظامی اسرائیل قرار گرفت گفت:

من یک تروریست نیستم تنها جرم من این است که می‌گویم باید در این سرزمین یک دولت دمکراتیک موجودیت پیدا کند. او اکنون در یکی از زندان‌های صهیونیست‌ها در میان همفکران خود آزرده خاطر و در حال نابودی است.

بهترین آرزوهای قلبی خود را نثار او و یارانش می‌کنم. امروز در مقابل همان دادگاه‌ها اسقف کاپوچی روحانی والا مقام کلیسا نیز قرار دارد. او ضمن بالا بردن انگشتان خود برای نمایش همان علامت پیروزی که رزمندگان آزادی خواه ما مورد استفاده قرار می‌دهند گفت:

هدف من این بوده که همه انسان‌ها در این سرزمین، سرزمین صلح، با مسالمت زندگی کنند. این روحانی والا مقام در سرنوشت اندوهناک «آهود آدیف» سهیم خواهد بود. سلام، سلام ما بر او باد.

.....

### **انقلاب به معنی تحقق بخشیدن به رؤیاها و امیدها است.**

بنابر این چرا نباید در رؤیا به سر برده و امیدوار باشیم؟ مگر نه این که انقلاب به معنی تحقق بخشیدن به رؤیاها و امیدهاست؟ پس بیاید به هم کمک کنیم تا رؤیای من به حقیقت بپیوندد. تا همراه مردم خود از آوارگی و تبعید بازگردم و در فلسطین با این رزمنده راه آزادی و یارانش و این کشیش عرب و برادرانش در یک کشور دمکراتیک که مسیحیان، یهودیان و مسلمانان در عدالت، برابری، برادری و پیشرفت به سر خواهند برد زندگی کنیم. از شما می‌پرسم آیا این رؤیای شرافتمندانه مستحق مبارزه من در کنار همه عاشقان آزادی در هر جای جهان نیست؟ چرا که زیباترین بعد این رؤیا فلسطینی بودن آن است. رؤیایی از سرزمین صلح، سرزمین قهرمانی و شهادت و تاریخ.

به یاد بیاریم که یهودیان اروپا و آمریکا به خاطر هدایت مبارزات مربوط به غیرمذهبی کردن حکومت و جدایی دین از سیاست معروفیت یافته اند.

آنها همچنین به دلیل مبارزه خود علیه تبعیض مبتنی بر مذهب مشهورند. چگونه آنها می‌توانند به حمایت خود از تعصب و تبعیض... ادامه دهند؟

.....

### **نمی‌خواهیم حتی یک قطره از خون اعراب یا یهود بر زمین ریخته شود.**

در مقام رسمی خودم به عنوان سازمان آزادیبخش فلسطین و رهبر انقلاب فلسطین در مقابل شما اعلام می‌کنم که هنگامی که در زمینه امیدهای مشترک خود از فلسطین فردا سخن می‌گویم همه یهودیانی را نیز که اینک در فلسطین زندگی می‌کنند و زندگی صلح آمیز و خالی از تبعیض را می‌پسندند در شمول این چشم انداز قرار می‌دهم.

از یهودیان می‌خواهم همگی از وعده و وعیدهای خیالی که از سوی ایدئولوژی صهیونیستی و حکومت اسرائیل به آنها داده می‌شود روی برگردانند. این راه جز خونریزی دائمی، جنگ بی پایان و اسارت چیزی ندارد.

از آنها دعوت می‌کنم از انزوای اخلاقی خود خارج شده و به سوی فضایی باز از انتخاب آزادانه، قدم بردارند و تحت تأثیر *התנ"ך* و تبلیغاتی که یأس و سرخوردگی از شکست یهودیان از رومیان را در گذشته های دور برجسته می‌کند (داستان «میسادا» Masada)، قرار نگیرند. ما به آن‌ها می‌گوییم که می‌توانیم که در شرایط یک صلح عادلانه با هم در کشوری دمکراتیک زندگی کنیم.

من اینجا در حضور همه شما می‌گویم که ما میل نداریم که حتی یک قطره از خون اعراب یا یهود (فرق نمی‌کند) بر زمین ریخته شود. به ادامه کشت و کشتار که تنها در صورت استقرار صلح عادلانه مبنی بر حقوق، امیدها و آرزوهای مردم ما پایان خواهد پذیرفت، هیچ تمایلی نداریم.

.....

### **شاخه زیتون در یک دست و تفنگ رزمنده راه آزادی در دست دیگر**

از شما خواهش می‌کنم به مردم ما در مبارزه برای کسب حق تعیین سرنوشت یاری رسانید. این همان حقی است که در منشور سازمان ملل متحد مورد احترام قرار گرفته است و بارها و بارها در قطعنامه هایی که جامعه ملل به تصویب رسانده تأیید شده است. همچنین از شما تقاضا می‌کنم به مردم ما کمک کنید از تبعیدگاه اجباری خود که به وسیله فشار اسلحه، ظلم و ستم و بیداد به آنها تحمیل شده به میهن خویش باز گردیم... در موطن ملی خود آزادانه و با عزت زندگی کرده و از مزایای زندگی به عنوان ملتی واحد بهره مند شویم.

تنها در آن زمان ممکن است خلاقیت فلسطینی به تمامی در خدمت بشریت قرار گیرد. تنها در این شرایط است که بیت المقدس نقش تاریخی خودش را به عنوان معبدی برای همه ادیان ایفا خواهد نمود. از شما تقاضا می‌کنم، یاری می‌طلبیم که مردم ما را به استقرار حاکمیت ملی و مستقل همراهی کنید.

امروز من آمده ام با یک شاخه زیتون در یک دست و تفنگ رزمنده راه آزادی در دست دیگر، کاری نکنید که شاخه زیتون از دست من رها شود. نگذارید شاخه زیتون از دست من به زمین افتد. نگذارید شاخه زیتون از دست من به زمین افتد. در فلسطین شعله جنگ زبانه می‌کشد و در فلسطین است که صلح متولد می‌گردد.

---

### **خطاب یاسر عرفات امام الجمعية العامة للامم المتحدة في 13/11/1974**

سیدی رئیس ،،

أشكر لكم دعوتكم منظمة التحرير الفلسطينية لتشارك في هذه الدورة من دورات الجمعية العامة لهيئة الأمم المتحدة . وأشكر كل الأعضاء المحترمين في هيئة الأمم المتحدة الذين أسهموا في تقرير إدراج قضية فلسطين على جدول أعمال هذه الجمعية وفي إصدار قرار بدعوتنا لعرض قضية فلسطين .

إنها لمناسبة هامة أن يعود بحث قضية فلسطين إلى هيئة الأمم المتحدة . وأنا نعتبر هذه الخطوة انتصار للمنظمة الدولية كما هو انتصار لقضية شعبنا . وإن ذلك يشكل مؤشراً جديداً على أن هيئة الأمم اليوم ليست هيئة الأمم أمس ، ذلك لأن عالم اليوم ليس هو عالم الأمس .

فقد أصبحت هيئة الأمم اليوم تمثل ١٣٨ دولة وأصبحت تعكس بصورة نسبية إرادة المجموعة الدولية ، ومن ثم فقد أصبحت أكثر قدرة على تطبيق ميثاقها ومبادئ الإعلان العالمي لحقوق الإنسان ، وأكثر قدرة على نصره قضايا العدل والسلام .

وهذا ما بدأ يلمسه شعبنا وتلمسه شعوب آسيا وإفريقيا وأمريكا اللاتينية ، الأمر الذى أخذ يعلى مكانة هذه المنظمة الدولية فى عيون شعبنا وعيون بقية الشعوب ، ويزيد من الآمال التى تعلقها شعوب العالم على مساهمة هيئة الأمم المتحدة فى نصره قضايا السلم والعدل والحرية والاستقلال ، وتشيد عالم خالٍ من الاستعمار والإمبريالية والاستعمار الجديد والعنصرية بكافة أشكالها بما فيها الصهيونية .

سيدي الرئيس ،،،

إننا نعيش فى عالم يطمح للسلام والعدل والمساواة والحرية ، يطمح إلى أن يرى الأمم المظلومة الراححة تحت الاستعمار والاضطهاد العنصرى وهى تمارس حريتها وحققها فى تقرير المصير ، يطمح إلى أن يرى العلاقات الدولية بين الدول كافة تقوم على أساس المساواة والتعايش السلمى وعدم التدخل فى الشؤون الداخلية ، وتأمين السيادة الوطنية .....

وما زالت دول آسيا وإفريقيا وأمريكا اللاتينية تواجه اعتداءات ضارية على نضالها من أجل تغيير النظام الاقتصادى العالمى الحالى بنظام اقتصادى عالمى جديد أكثر معقولة ومنطقية ، وقد عبرت هذه البلدان عن ذلك فى مؤتمر (( المواد الأولية والتنمية )) حيث لابد أن يوضع حد لعمليات النهب والاستغلال وامتناص ثروات الشعوب الفقيرة وعرقلة جهودها من أجل التنمية والسيطرة على ثرواتها ورفع الحيف عن أسعار موادها الأولية .

وكذلك فإن هذه الدول ما زالت تواجه عراقيل أمام مطالبها العادلة المعبر عنها فى مؤتمر البحار فى كرا كاس ، ومؤتمر السكان ، ومؤتمر التغذية ، ولا بد للهيئة الدولية من أن تقف بحزم إلى جانب النضال من أجل إحداث تغييرات جذرية فى النظام الاقتصادى العالمى لأن ذلك وحده يتيح للشعوب المختلفة إمكانية التقدم بسرعة . ولا بد لهذه الهيئة من أن تقف بحزم ضد القوى التى تحاول تحميل مسؤولية التضخم المالى على كاهل البلدان النامية ، خاصة البلدان المنتجة للبترو ، وأن تشجب التهديدات التى تتعرض لها هذه البلدان بسبب مطالبها العادلة .

سيدي الرئيس ،،،

ما زال السباق على التسليح على أشده فى العالم ، الأمر الذى يهدد العالم بضياع ثروته وتبديد جهوده على هذا السباق ، فضلاً عن إبقائه فى خيار انفجارات مسلحة خطيرة . إن الحد من السباق على التسليح ، وصولاً إلى تدمير الأسلحة النووية وتخصيص ما يصرف من مبالغ طائلة على مجالات التقنيات العسكرية فى ميدان تقدم العلوم وزيادة الإنتاج وتحقيق الرفاه للعالم . هذا ما تتوقع الشعوب إن تعمل هيئة الأمم المتحدة باتجاهه . وما زال الاضطراب على أشده فى منطقتنا . فالكيان الصهيونى مثبت بالأراضى العربية التى احتلها ويتابع عدوانه علينا بجانب استعداداته العسكرية المحمومة بشن حرب عدوانية جديدة ستكون الخامسة كم سلسلة حروبه العدوانية ولنا أن نتحسب مع ما يصدر من إشارات عنه من أن تكون حرباً نووية تحمل الفناء والدمار .

سيدي الرئيس ،،،

إن العالم بحاجة إلى أقصى الجهود من أجل تحقيق مطامحه فى السلم والحرية والعدل والمساواة والتنمية وفى مكافحة الاستعمار والإمبريالية والاستعمار الجديد والعنصرية بكافة أشكالها بما فيها الصهيونية لأن هو الطريق الوحيد لتحقيق آمال الشعوب كافة بما فى ذلك شعوب الدول التى تعارض هذا الطريق . أنه طريق لتكريس مبادئ ميثاق هيئة الأمم المتحدة والإعلان العالمى لحقوق الإنسان . إما بقاء الوضع الحالى فلن يفعل أكثر من أن يبقى العالم معرضاً لأخطر الصراعات المسلحة ، للكوارث الاقتصادية والإنسانية والطبيعية .

سيدي الرئيس ،،،

رغم هذا الوضع المتأزم الذى يسود العالم برغم ما فى عالمنا من قوى ظلام وتأخر فإن عالمنا اليوم يعيش أياماً مجيدة . أنه يشهد انهار العالم القديم عالم الاستعمار والامبريالية والاستعمار الجديد والعنصرية بكافة أشكالها وأبرزها الصهيونية ويشهد الاتجاه التاريخى العظيم لشعوب العالم نحو انبثاق عالم جديد تنتصر فيه القضايا العادلة ، وأنا واثقون من انتصار هذه القضايا.

سيدس الرئيس ،،،

إن قضية فلسطين تدخل كجزء هام بين القضايا العادلة التى تناضل فى سبيلها الشعوب التى تعانى الاستعمار الاضطهاد ، وإذا كانت الفرصة قد أتحت لى أن أعرضها أمامكم فإننى لن أنسى أن مثل هذه الفرصة يجب أن تتاح لكل حركات التحرر المناضلة ضد العنصرية والاستعمار . فى تقرير مصيرها ، أذعوكم أن تعيروا قضاياهم ، كما قضيتنا ، من همومكم واهتمامكم الأولوية ذاتها مما يشكل مرتكزاً أساسياً لحماية السلم فى العالم وتكريس عالم جديد تعيش الشعوب فى ظلاله بعيداً عن الاضطهاد والظلم والخوف والاستغلال ، ولهذا فإننى سأعرض قضيتنا ضمن هذا الإطار وفى سبيل هذا الهدف .

وإننا حين نتكلم من على هذا المنبر الدولى فإن ذلك تعبير فى حد ذاته عن إيماننا بالنضال السياسى والدبلوماسى مكملاً معززاً لنضالنا المسلح وتعبير عن تقديرنا للدور الذى يمكن للأمم المتحدة أن تقوم به فى حل المشكلات العالمية ، بعد أن تغيرت بنيتها فى صالح أمانى الشعوب وفى حل مشكلتنا التى تتحمل فيها المؤسسة الدولية مسئولية خاصة .

إن شعبنا يتكلم وهو يتطلع إلى المستقبل أكثر مما هو مقيد بمآسى الماضى وأغلال الحاضر. وإذا كنا، ونحن نتحدث عن الحاضر نعود إلى الماضى فلأننا نريد أن نوضح بداية الطريق الذى نشقه إلى المستقبل المشرق مع كل شعوب العالم عامة ، وحركات التحرير خاصة. وإذا كنا نعود إلى جذور قضيتنا فإنه ما زال بين الحاضرين هنا من يحتل بيوتنا ويرتع فى حقولنا ويقطف ثمار أشجارنا ويدعى أننا أشباح لا وجود لها ولا تراث ولا مستقبل. وأن هناك من كان يتصور ، وإلى وقت قريب، وربما حتى الآن، أن مشكلتنا هى مشكلة لاجئين، أو أن مشكلة الشرق الأوسط هى مشكلة خلاف على حدود بين الدول العربية وبين الكيان الصهيونى أو يتصور أن شعبنا يدعى حقوقاً ليست له ويقا تل دونما سبب معقول ومشروع إلا الرغبة فى تعكير السلم وإرهاب الآخرين . ولأن هناك بينكم وأعنى الولايات المتحدة الأمريكية وغيرها من يمون عدونا بطائراته وقنابله وكل أدوات الفتك والتدمير ويقف منا موقف العداء ويعمد إلى تشويه حقيقة المشكلة، كل ذلك على حساب الشعب الأمريكى وعلى حساب رفاهيته وعلى حساب الصداقة التى تتطلع إليها مع هذا الشعب العظيم الذى نكن له ولتجاربه فى النضال من أجل حريته ووحدة أرضه كل تقدير .

وأننى لانتبه هذه المناسبة لا توجه إلى الشعب الأمريكى وأخاطبه من مكانى هنا أن يقف مع شعبنا الشجاع المناضل . أن يقف مع الحق والعدالة . أن يتذكر بطله جورج واشنطن الذى ناضل لاستقلال أمريكا وحريتها . ويتذكر أبراهام لنكولن الذى وقف مع المحرومين والمعذبين ويتذكر وصايا ويلسون الأربع عشرة التى يتبناها شعبنا إيماناً بهذه المبادئ الإنسانية العظيمة.

وأتوجه إلى الشعب الأمريكى وأتساءل هل هذه التظاهرات المعادية التى تنطلق فى الخارج هى وجهه الحقيقى . وما هى الجريمة التى ارتكبها شعبنا ضد الشعب الأمريكى . . .

لماذا هذا الوجه المعادى . هل هو لصالح أمريكا . هل هو لصالح الجماهير الأمريكية . حتماً لا . وأرجو أن يتذكر الشعب الأمريكى أن صداقته مع أمتنا العربية هى أهم وهى أبقى وهى أنفع .

سيدى الرئيس ،،،

إن شرحنا لجذور قضيتنا نابع من إيماننا بأن العودة إلى أصول القضايا التى تشغل العالم أمر ضرورى عند تلمس الحلول لها . وهذا منهج نظرحه على السياسة الدولية لتأخذ به بعد أن عانت الكثير وعانت الشعوب معها من المحاولات تجاهل الأصول والقفز عليها أو إنكارها رضوخاً واستسلاماً للأمر الواقع .

ترجع جذور المشكلة الفلسطينية إلى أواخر القرن التاسع عشر أو بكلمات أخرى إلى ذلك العهد الذى كان يسمى عصر الاستعمار والاستيطان وبداية انتقال إلى عصر الإمبريالية حيث بدأ التخطيط الصهيونى\_ الاستعمارى لغزو أرض فلسطين بمهاجرين من يهود أوروبا كما كان الحال بالنسبة للغزو الاستيطانى لإفريقيا . فى تلك الحقبة التى توطدت فيها سطوة عتاه الاستعمار القادمين من الغرب إلى أفريقيا وآسيا وأمريكا اللاتينية للاستيطان وإقامة المستعمرات وممارسة أشد أشكال الاستغلال والاضطهاد والنهب لشعوب القارات الثلاث . إنها الحقبة التى ما زلنا نشهد آثارها العنصرية البشعة فى الجنوب الإفريقى وكذلك فى فلسطين .

وكما استخدم الاستعمار والمستوطنون أفكار ((التمدن والتحضر)) لتبرير الغزو والنهب والعدوان فى إفريقيا وغيرها . كذلك استخدمت هذه الذرائع لغزو فلسطين بموجات المهاجرين الصهاينة . وكما استخدم الاستعمار والمستوطنون الدين واللون والعرق والغة لتمرير عملية استغلال الشعوب وإخضاعها بالتمييز والتفرقة والإرهاب فى إفريقيا ، كذلك استخدمت هذه الأساليب لاغتصاب الوطن الفلسطينى واضطهاد شعبه ومن ثم تشريده . وكما استخدم الاستعمار ، وقتئذ ، المحرومين والفقراء والمستغلين كوقود لنار عدوانه ، ومركزات الاستيطان ، كذلك استخدم الاستعمار العالمى والقادة الصهاينة اليهود المحرومين والمضطهدين فى أوروبا كوقود للعدوان ومركزات للاستيطان والتمييز العنصرى .

إن الإيديولوجية الصهيونية التى استخدمت ضد شعبنا لاستيطان فلسطين بالغزاة الوافدين من الغرب استخدمت فى الوقت ذاته لاقتلاع اليهود من جورهم فى أوطانهم المختلفة ولتغريبهم عن الأمم. إنها أيديولوجيا استعمارية استيطانية عنصرية تمييزية رجعية تلتقى مع اللاسامية فى منطلقاتها، بل هى الوجه الآخر للعملة نفسها. فعندما نقول أن تابعى دين معين هو اليهود، أياً كان وطنهم، لا ينتسبون إلى ذلك الوط ولا يمكن أن يعيشوا كمواطنين متساوين مع بقية المواطنين من الطوائف الأخرى، فإن تلك اللقاء مباشر مع دعاة اللاسامية، وعندما يقولون أن الحل الوحيد لمشكلتهم هو أن ينفصلوا عن الأمم والمجتمعات التى هم جزء منها عبر تاريخ طويل، ثم يهاجرون ليستوطنوا أرض شعب آخر ويحلوا محله بالقوة والإرهاب يأخذون من غيرهم الموقف نفسه الذى أخذه دعاة اللاسامية منهم.

ومن هنا نلاحظ مثلاً العلاقة الوثقى بين ردوس وهو يبسط استعمار الاستيطانى فى جنوب شرقى القارة الإفريقية وبين هرتزل الذى راح يخطط ويصمم لاستعمار الاستيطانى على أرض فلسطين. وعندما حصل هرتزل على شهادة حسن سلوك استعمارى استيطانى من رودس قدمها للحكومة البريطانية ليستصدر منها قرار التأييد والدعم مقابل أن يبنى على أرض فلسطين قاعدة للاستعمار تؤمن مصالحه فى أهم النقاط الاستراتيجية فى الشرق الأوسط.

وهكذا باشرت الحركة الصهيونية متحالفة مع الاستعمار العالمى غزوتها لبلادنا. واسمحوا لى أن أوجز بعض الحقائق التالية حولها:

- كان عدد سكان فلسطين عند بداية الغزوة عام ١٨٨١ وقبل قدوم أول موجة استيطان حوالى نصف مليون نسمة كلهم من العرب، مسلمين ومسيحيين ومنهم حوالى عشرون ألفاً من يهود فلسطين يعيشون جميعاً فى كنف التسامح الدينى الذى اشتهرت به حضارتنا.
- وكانت فلسطين أرضاً خضراء معمورة بشعبها العربى الذى يبنى الحياة فى وطنه ويغنى ثقافته.
- وعمدت الحركة الصهيونية إلى تهجير حوالى خمسين ألف يهودى أوروبى بين عامى ١٨٨٢ و ١٩١٧ لاجئة إلى شتى أساليب الاحتياى لتغرسهم فى أرضنا. ونجحت فى الحصول على تصريح بلفور من بريطانيا، فجسد التصريح حقيقة التحالف الصهيونى الاستعمارى، وعبر هذا التصريح عن مدى ظلم الاستعمار للشعوب حيث أعطت بريطانيا وهى لا تملك وعداً للحركة الصهيونية وهى لا تستحق. وخذلت عصبة الأمم بتركيبها القديم شعبنا العربى وتبخرت وعود ومبادئ ويلسون فى الهواء وفرضت علينا قسراً الاستعمار البريطانى بصورة الانتداب، وتعهدت صك الانتداب الذى أصدرته عصبة الأمم المتحدة صراحة بالتمكين للغزوة الصهيونية من أرضنا.

- وعلى مدى ثلاثين عاماً بعد صدور تصريح بلفور نجحت الحركة الصهيونية مع حليفها الاستعماري في تهجير مزيد من يهود أوروبا واغتصاب أراضي عرب فلسطين. وهكذا أصبح عدد اليهود في فلسطين عام ١٩٤٧ حوالي ستمائة ألف يملكون أقل من ٦ % من أراضي فلسطين الخصبة. بينما كان تعداد عرب فلسطين حوالي مليون وربع المليون نسمة.
- وبفعل تواطؤ الدولة المنتدبة مع الحركة الصهيونية ودعم الولايات المتحدة لهما صدر عن هذه الجمعية وهي ف بيداية عهدها التوصية بتقسيم وطننا فلسطين في ٢٩ نوفمبر ١٩٤٧ وسط تحركات مريبة وضغوط شديدة، فقسمت ما لا يجوز لها أن تقسم: أرض الوطن الواحد، وحين رفضنا ذلك القرار فلأننا مثل أم الطفل الحقيقية التي رفضت أن يقسم سليمان طفلها حين نازعتها عليه امرأة أخرى. ومع ذلك فقد منح قرار التقسيم المستوطنين الاستعماريين ٥٤ % من أرض فلسطين. وكأن ذلك لم يكن كافياً بالنسبة إليهم، فشنوا حرباً إرهابية ضد السكان المدنيين العرب واحتلوا ٨١ % من مجموع مساحة فلسطين وشردوا مليون عربي.
- مغتصبين بذلك ٥٢٤ قرية ومدينة عربية. ودمروا منها ٣٨٥ مدينة وقرية تدميراً كاملاً محاهها من الوجود. وحيث فعلوا ذلك أقاموا مستوطناتهم ومستعمراتهم فوق الانقاض وبين بساتيننا وحقولنا. ومن هنا يبدأ جذر المشكلة الفلسطينية، أن هذا يعنى أن أساس المشكلة ليس خلافاً دينياً أو قومياً بين دينين أو قوميتين وليس نزاعاً على حدود بين دول متجاورة، انه قضية شعب اغتصب وطنه وشرد من أرضه لتعيش أغلبيته في المنافى والخيام.
- وقد استطاع هذا الكيان الصهيونى وبدعم من دول الاستعمار والامبريالية وعلى رأسها الولايات المتحدة الأمريكية أن يتحايل على هيئة الأمم لقبوله فى عضويتها ومن ثم على شطب قضية فلسطين من دول أعمالها، وتضليل الرأى العام العالمى بتصوير المشكلة كمشكلة لاجئين بحاجة إلى عطف المحسنين أو إعادة توطينهم فى بلاد الآخرين.
- على أن هذه الدولة العنصرية التى قامت على أساس الاستعمار الاستيطانى لم تكنف بكل ذلك حيث جعلت من نفسها قاعدة للإمبريالية وراحت تتحول إلى ترسانة من الأسلحة لإكمال مهمتها فى إخضاع الشعوب العربية والعدوان عليها طمعاً فى المزيد من التوسع على الأرض الفلسطينية والأراضى العربية. فإلى جانب عشرات الاعتداءات التى شنتها هذه الدولة ضد البلاد العربية قامت بحربين توسعيتين كبيرتين عام ١٩٥٦ و عام ١٩٤٧ عرضت خلالهما السلم العالمى لخطر حقيقى.
- فقد كان من نتائج العدوان الصهيونى فى حزيران ١٩٤٧ أن احتل العدو سيناء المصرية حتى مشارف السويس، واحتل الجولان السورية فضلاً عن احتلاله للأرض الفلسطينية حتى نهر الأردن، الأمر الذى شكل وضعاً جديداً فى منطقتنا وخلق ما يسمى بمشكلة الشرط الأوسط. ومما جعل الوضع يتفاقم أكثر إصرار العدو على استمرار الاحتلال وتكريسه، مشكلاً رأس حربه للاستعمار العالمى ضد أمتنا العربية، وقد ضرب عرض الحائط بكل قرارات مجلس الأمن ونداءات الرأى العام العالمى للانسحاب من الأراضى التى احتلها بعد حزيران ولم تجد كل المساعى السلمية والدبلوماسية لردعه عن هذه السياسة التوسعية، فما كان أمام أمتنا العربية وفى مقدمتها دولتا مصر وسوريا إلا أن تبذل الجهود المضنية فى الاستعداد العسكرى من أجل الصمود فى وجه هذه الغزوة الهمجية المسلحة بالقوة، وثانياً من أجل تحرير تلك الأراضى واستعادة حقوق الشعب الفلسطينى بعد استنفاذ كل الوسائل السلمية، وضمن هذا الإطار اندلعت الحرب الرابعة، حرب تشرين لتؤكد للعدو الصهيونى عقم سياسته الاحتلالية التوسعية واعتماده على شريعة القوة العسكرية، ولكن رغم ذلك فإن قادة الكيان الصهيونى مازالوا بعيدين عن الاعطاء بهذه الدروس، فهم يعدون العدة للحرب الخامسة، ليعودوا من جديد إلى سياسة مخاطبة العرب بلغة التفوق العسكرى سياسة العدوان والإرهاب والإخضاع للحرب.
- سيدى الرئيس،،،
- لشد ما يتألم شعبنا حين يسمع تلك الدعايات التى تقول أن أراضيه كانت صحراء فعمرها المستوطنون الأجانب، وأن وطنه كان خالياً من السكان، وأنه لم يتضرر أحد من بنى البشر نتيجة قيام هذا الكيان الاستيطانى، لا .. يا



سيدي الرئيس، يجب أن تدحض هذه الأكاذيب من على هذا المنبر العالمي، ويجب أن يعرف الجميع أن فلسطين كانت مهداً لأقدم الحضارات والثقافات استثمر شعبها العربي ينشر الخصرة والبناء والحضارة والثقافة في بروعا طوال آلاف السنين ويرفع لواء التسامح الديني ضارباً المثل على حرية العقيدة وحارساً أميناً على مقدسات جميع الأديان في ظنه.

وأنى كأحد أبناء بيت المقدس احتفظ لنفسى ولشعبي بذكرات جميلة وصور رائعة عن مظاهر التأخي الديني التي كانت تتألف في مدينتنا المقدسة قبل حلول النكبة بها، ولم ينقطع شعبنا عن ذلك إلا بعد تمكن الغزوة الصهيونية الهمجية من إقامة دولة إسرائيل وتشريده.

ولكنه مازال مصمماً على الاستمرار ف أداء دوره الحضاري والإنساني على أرض فلسطين، ولا يسمح بأن تتحول هذه الأراضي إلى بؤر للعدوان على الشعوب، وإلى معسكر عنصري ضد الحضارة والثقافة والتقدم والسلام. ولهذا فإن شعبنا لا يستطيع إلا أن يواصل تراث أجداده في الكفاح ضد الغزاة وأن يحمل شرف المسؤولية في الدفاع عن وطنه وعن أمته العربية وعن الثقافة والحضارة ومهد الديانات السماوية، وتكفينا نظرة سريعة لمواقف إسرائيل العنصرية عندما دعمت منظمة الجيش السرية في الجزائر، وفي دعمها للمستعمرين في أفريقيا سواء في الكونغو وانغولا وموزمبيق وزمبابوي وفي وقفها إل جانب حكومة فيتنام ضد الثورة الفيتنامية، فضلاً عن مواقفها المتتابعة في هذا السياق إلى جانب الاستعماريين والعنصرين في كل مكان وعرقلتها لعمل لجنة تصفية الاستعمار ورفضها التصويت لمصلحة استقلال بلدان أفريقيا ووقفها ضد مطالب بلدان آسيا وإفريقيا وأمريكا اللاتينية وبلدان عديدة أخرى في مؤتمرات " المواد الأولية والتنمية" و"قانون البحار" و "السكان" و "التغذية". كل ذلك يعطى دليلاً إضافياً على صورة العدو الذي اغتصب بلادنا، ويكشف عن شرف النضال الذي نخوضه ضده. اننا ندافع عن حلم المستقبل، وهو يدافع عن أساطير الماضي.

سيدي الرئيس،،،

إن لهذا العدو الذي نواجهه سجلاً حافلاً ضد اليهود أنفسهم فهناك في داخل الكيان الصهيوني تمييز عنصري بشع ضد اليهود الشرقيين. وإذا كنا ندين بكل ما أوتينا من قوة مذابح اليهود تحت الحكم النازي، فإن القادة الصهاينة كما يبدو أن همهم الأكبر حينذاك هو استغلالها لتحقيق الهجرة إلى فلسطين.

سيدي الرئيس،،،

لو كان تهجيرهم إلى فلسطين بهدف العيش كمواطنين متساوين معنا بالحقوق والواجبات لكننا أفسحنا المجال لهم ضمن إمكانات وطننا، كما حدث مع عشرات الآلاف من الأرمن الشركس الذين ما زالوا بيننا أخوة مواطنين مثلنا تماماً، أما أن يكون هدف ذلك اغتصاب أراضينا وتشريدنا وتحويلنا إلى مواطنين من الدرجة الثانية وإنزال المعاملة نفسها بنا فهذا ما لا يمكن أن ينصحن أحد القبول به أو الإذعان له. ولهذا فإن ثورتنا منذ البداية لا تقوم على أسس عرقية أو دينية عنصرية، وليست موجهة للإنسان اليهودي من حيث كونه إنساناً وإنما هي موجهة ضد العنصرية الصهيونية وضد العدوان. وبهذا المعنى فإن ثورتنا هي أيضاً من أجل الإنسان اليهودي. إننا ناضل من أجل أن يعيش اليهود والمسيحيون والمسلمون بمساواة في الحقوق والواجبات وبلا تمييز عنصري أو ديني.

أ. إننا إذن يا سيادة الرئيس نفرق بين اليهودية وبين الصهيونية. وفي الوقت الذي نعدى الحركة الصهيونية الاستعمارية، فإننا نحترم الدين اليهودي وإننا نحذر اليوم، وبعد قرابة قرن من بروز هذه الحركة العنصرية، من أن خطرنا يتزايد ضد اليهود في العالم، وضد شعبنا العربي وضد أمن العالم وسلامته، فالصهيونية لا تزال متمسكة بتهجير اليهود من أوطانهم واصطناع قوميهم لهم يستبدلون بها قومياتهم الأصلية. إن الصهيونية تتابع نساطها التخريبي هذا على الرغم من ظهور فشل الحل الذي قدمته، وأن ظاهرة النزوح من التجمع الإسرائيلي المستمرة منذ قيامه والتي ستقوى مع سقوط قلاع الاستعمار الاستيطاني العنصري في العالم، لدليل على هذا الفشل. ب. إننا ندعو جميع الشعوب والحكومات لمجابهة مخططات الصهيونية الرامية إلى تهجير مزيد من يهود العالم من أوطانهم ليغتصبوا وطننا. وندعوهم ف بالوقت نفسه للوقوف في وجه أي اضطهاد للإنسان بسبب دينه أو جنسه أو لونه.



ت. وإننى أتساءل يا سيادة الرئيس، لماذا يتحمل شعبنا ووطننا مسؤولية مشكلة الهجرة اليهودية إذا كانت لا زالت مثل هذه المشكلة فى مخيلة البعض؟ وأتساءل لماذا لا يتحمل المتحمسون لهذه المشكلة إن وجدت، المسؤولية فيفتحوا بلادهم الكبيرة الرقعة والقادرة لاستيعاب هؤلاء المهاجرين ومساعدتهم؟  
سيدى الرئيس،،،

إن الذين ينعوتون ثورتنا بالإرهاب، إنما يفعلون ذلك لكى يضللوا الرأى العام العالمى عن رؤية الحقائق، من روية وجهنا الذى يمثل جانب العدل والدفاع عن النفس ووجههم الذى يمثل جانب الظلم والإرهاب.  
إن الجانب الذى يقف فيه حامل السلاح هو الذى يميز بين الثائر والإرهابى، فمن يقف فى جانب قضية عادل ومن يقاتل من أجل حرية وطنه واستقلاله ضد الغزو والاحتلال والاستعمار لا يمكن أن تنطبق عليه بأى شكل من الأشكال صفة إرهابى وإلا اعتبر الشعب الأمريكى حين حمل السلاح ضد الاستعمار البريطانى إرهابياً واعتبرت المقاومة الأوروبية ضد النازية إرهاباً، واعتبر نضال شعوب آسيا وإفريقيا وأمريكا اللاتينية إرهاباً. لا يا سيدى الرئيس إن هذا هو الكفاح العادل والمشروع والذى يكرسه ميثاق هيئة الأمم والإعلان العالمى لحقوق الإنسان. أما الذى يحمل السلاح ضد القضايا العادل... الذى يشن الحرب لاحتلال أوطان الآخرين ونهبهم واستغلالها واستعمارهم فذلك هو الإرهابى وأعماله هى التى يجب أن تدان وينسحب عليه لقب مجرم حرب ذلك أن عدالة القضية هى التى تقرر عدالة السلاح  
سيدى الرئيس،،،

إن الإرهاب الصهيونى الذى ارتكب بحق الشعب الفلسطينى لإجلائه عن وطنه واقتلعه من أرضه مدون لديكم فى وثائق رسمية وزعت فى الأمم المتحدة، لقد ذبح الآلاف من أبناء شعبنا فى قراهم ومدنهم وأجبر عشرات الأولوف تحت نار البندقية وقصف المدافع والطائرات أن يتركوا بيوتهم وما زرعوا فى أرض أجدادهم. وكم من مرة أجبر فيها أبناء من شعبنا نساء وأطفال وشيوخ على الخروج من دون زاد أو ماء زأرغموا على تسلق الجبال والتهيه فى الصحراء.

إن الكوارث التى حلت عام ١٩٤٨ بأهالى المئات من القرى والمدن فى السهل والجبل، فى القدس ويافا واللد والرملة والجليل، لم ولن ينساها من عانى أهوال لحظة لحظة رغماً عن التعقيم الإعلامى العالمى الذى نجح فى إخفاء هذه الأهوال كما أخفى أئر ٣٨٥ قرية ومدينة فلسطينية دمرت فى حينه وأزيلت من الوجود، ان نصف ١٩ ألف منزل على مدى السنوات السبع الأخيرة أى ما يساوى تدمير مائتى قرية فلسطينية أخرى تدميراً كاملاً والأعداد الضخمة من مشوهى الإرهاب والتعذيب ومن فى السجون لا يمكن أن يطمسه التعقيم الإعلامى . لقد وصل إرهابهم إلى الحقد حتى على شجرة الزيتون فى بلادى التى اعتبروها علماً شامخاً يذكرهم بسكان البلاد الأصليين، يصرخ أن الأرض فلسطينية، فراحوا يعملون على اقتلاعها أو قتلها بالإهمال والتحطيم، ماذا يمكن أن يسمى تصريح غولدا مائير عندما عبرت عن "قلقها من الأطفال الفلسطينين الذين يولدون كل صباح". انهم يرون فى الطفل الفلسطينى والشجرة الفلسطينية عدواً يجب التخلص منه، يا سيادة الرئيس، طيلة عشرات السنين وهم يتعقبون قيادات شعبنا الثقافية والسياسية والاجتماعية والفنية بالإرهاب والتقتيل والاعتقال والتشريد . لقد سرقوا تراثنا الحضارى، وفولكلورنا الشعبى وادعوه لهم ومدوا إرهابهم إلى مقدساتنا فى مدينة السلام القدس الحبيبة وعمدوا إلى إفقادها طابعها العربى المسيحى الإسلامى من خلال تهجير سكانها وضمها لدولتهم، ولا حاجة لأن نسترسل فى ذكر المسجد الأقصى وسرقة ثروات كنيسة القيامة والتشويه الذى لحق بعمرانها وطابعها الحضارى.. فالقدس بروعتها وبالعبق التاريخى المسيطر عليها تشهد لإجيالنا المتعاقبة التى مرت عليها تاركة فى كل ركن من أركانها أثراً خالداً وبصمة حنونة ولمسة حضارية ونبضة إنسانية.  
وليس غريباً أن تتعانق فى سمائها الرسائل السماوية الثلاث وتتهادى فى ركبها وأفاقها تنير للبشرية طريق جلجلتها وهى تحمل أشواكها وآلامها لترسم مستقبلها بكل ما فيه من آمال وأمانى ومعطيات .  
سيدى الرئيس،،،

إننا العدد القليل من العرب الفلسطينيين الذين لم يستطع العدو هجيرهم من أرضهم عام ١٩٤٨ هم الآن لاجئون على أرضهم وقد عوملوا فى القانون الإسرائيلى كمواطنين من الدرجة الثانية، بل والثالثة باعتبار أن اليهود الشرقيين هم مواطنوا الدرجة الثانية ومورست ضدهم كل أشكال التمييز العنصرى والإرهاب وصدورت أراضيهم وممتلكاتهم، وتعرضوا لمذابح دامية كما حدث فى قرية كفر قاسم، وهجروا من قراهم وحرّموا من العودة لها كما حدث لأهالى قريتى كفربرعم وأقوت، كما أهلنا عاشوا هناك ثمانية عشر عاماً تحت الحكم العرفى لا يحق لهم الانتقال من مكان إلى مكان مجاور دون إذن مسبق من الحاكم العسكرى. تصور، يا سيادة الرئيس، فى الوقت الذى يسن فيه المشرع الإسرائيلى قانوناً حقاً تلقائياً بالمواطنة لأى يهودى يهاجر إلى أرضنا فور أن يطأها، يسن قانوناً آخر يعتبر الفلسطينيين الذين بقوا فى فلسطين ولم يكونوا فى قراهم أو مدنهم ساعة احتلالها محرومين من المواطنة.

سيدي الرئيس،،،

إن سجل حكام إسرائيل الحافل بجرائم الإرهاب يمتد ليشمل عدداً من أبناء أمتنا العربية الذين بقوا تحت الاحتلال فى سيناء أو الجولان كما أن ذكرى جريمة قصف مدرسة بحر البقر ومصنع أبو زعبل فى مصر العربى ما زالت ماثلة للإذهان، وأما تدمير مدينة القنيطرة السورية مازال شاهداً لكل من يريد أن يرى ما يفعله الإرهاب، وإذا فتح سجل الإرهاب الصهيونى على جنوبى لبنان وهو الإرهاب الذى ما زال ميمتراً، فسوف تقشع الأبدان من هول ما يرتكب من أعمال القرصنة والقصف والعدوان، بما فى ذلك تهجير المدنيين وتدمير بيوتهم وخطفهم وحرق مزارعهم إلى جانب الاعتداءات المستمرة على سيادة الدولة اللبنانية، والإعداد لسرقة مياه نهر الليطانى، ولنذكر فى هذا المجال بالمقررات العديدة التى صدرت عن هذه المنظمة، والتى تدين إسرائيل بارتكاب الاعتداءات ضد الدولة العربية وبالاعتداء على حقوق الإنسان، وفيما يتعلق بضم القدس وتغيير وضعها السابق للاحتلال وإدانتها لمخالفات متعددة لبنود اتفاقيات جنيف فى حالة الحرب.

سيدي الرئيس،،،

إن التأمّل بكل هذه الأعمال لا يمكن أن يطلق عليه من وصف غير وصف الإرهاب الهمجى، ومع ذلك يتجزأ أولئك الإرهابيون الغزاة العنصرين على تسمية نضالات شعبنا العادلة بالأعمال الإرهابية. هل يوجد ثمة تجرؤ على الباطل والتزييف أشد من هذا . واننا نقول أن على أولئك الذين اغتصبوا أرضنا وارتكبوا من جرائم الإرهاب والتمييز العنصرى أكثر مما فعل ويفعل العنصريون فى جنوبى إفريقيا، ان يتذكروا قرار الجمعية العامة لهيئة الأمم المتحدة الذى أعلن طرد جنوبى إفريقيا من عضويتها، لأن ذلك هو المصير المحتوم لكل الدول العنصرية التى تطبق شريعة الغاب وتغتصب وطن الآخرين وتضطهدهم.

سيدي الرئيس،،،

لقد قاوم شعبنا الفلسطينى خلال ثلاثين عاماً تحت الاحتلال البريطانى والغزو الصهيونى كل محاولات انتزاع أرضه، وناضل فى ثورات ست، ومنة خلال عشرات الانتفاضات الشعبية ومن أجل احباط المؤامرة ليبقى على أرضه وفوق تراب وطنه، قدم فى سبيل ذلك ولغاية ١٩٤٨ ثلاثين ألف شهيد (أى ما يوازي ٦ ملايين أمريكى بالنسبة لعدد سكان اليوم).

وعندما اقتلعت غالبية من الأرض الفلسطينية التى احتلت عام ١٩٤٨ ظل يقوم فى ظروف صعبة محاولات إفئائه. وحاول شعبنا بكل الطرق استمرار نضاله السياسى من أجل حقوقه، دون جدوى . وناضل للحفاظ على وجوده فتعلم أبناؤه فى النزوح والشتات وكدحوا تحت أصعب الظروف ليستطيعوا الاستمرار، وأصبح لدى الشعب الفلسطينى آلاف الأطباء والمهندسين والأساتذة والعلماء توجهوا بعملهم وإمكانياتهم للأقطار العربية المحيطة بوطنهم المغتصب، فساهموا فى البناء والتعمير والتطوير وحصلوا على دخل استخدموه لمساعدة أقرانهم الصغار والعجائز الذين استحال عليهم مغادرة مخيمات النزوح، علم الأخ أخاه أخته وحافظ على والديه وربى أولاده ولكنه ظل يحلم فى قلب ذاته بالعودة إلى فلسطين.. ظل فلسطينياً متمسكاً بوطنه لا يهتز ولاؤه لها ولا تهن عزيمته ولا يفتر حماسه، لم يغيره شىء للتخلى عن فلسطينيته ووطنه فلسطين.

لا ولم ينسه الزمن إياها كما توقع المتوقعون.

وعندما خابت آمال شعبنا بالأسرة الدولية التى نسيته وتغافلت عن حقوقه وثبت لشعبنا عجز النضال السياسى وحده عن استعادة شبر أرض من وطنه لجأ شعبنا إلى الثورة الفلسطينية وأعطاهها كل إمكانياته المادية والبشرية وخيرة شبابه.. وواجهشعبنا ببسالة إرهاباً إسرائيلياً لا يتخيله بشر ليثنيه عن طريق النضال. لقد قدم شعبنا فى السنوات العشر الأخيرة من نضاله آلاف الشهداء وأضعافهم من الجرحى والمشوهين والأسرى والمعتقلين من أجل أ يبنى أو يذوب ومن أجل انتزاع حقه فى تقرير مصيره على وطنه وفى عودته إلى ترابه. وتعيش جماهير شعبنا الآن تحت الاحتلال الصهيونى تقاوم بكل الكبرياء المتأصلة فيها، بكل الشموخ الثورى الملازم لها سواء من زج منها فى السجون والمعتقلات أو من يعيش داخل السجن الكبير فى قفص الاحتلال، يقاومون من أجل البقاء والوجودز يناصلون من أجل أن تبقى الأرض عربية ويكافحون الطغيان والظلم والإرهاب بشتى صورته المأساوية الخطيرة.

ومن خلال ثورة شعبنا المسلحة تبلورت قيادته السياسية وترسخت مؤسساته الوطنية وبنيت حركة التحرير الوطنية التى تضم كل فصائله وتنظيماته وقدراته والتى جسدهتها منظمة التحرير الفلسطينية. ومن خلال حركة التحرر الوطنية الفلسطينية نضج نضال شعبنا وتعددت أساليبه فشمّل النضال السياسى والاجتماعى بالإضافة للنضال المسلح، واندفعت منظمنا تساهم فى بناء الإنسان الفلسطينى المؤهل لبناء المستقبل الفلسطينى وليس لتعبئته لمواجهة تحديات الحاضر.

وتعتز منظمة التحرير الفلسطينية بإنها وهى تخوض المعارك المسلحة وتواجه قساوة الإرهاب الصهيونى، قامت بمآثر عديدة حضارية وثقافية فشكّلت مؤسسات البحث العلمى، والتطوير الزراعى والرعاية الصحية وإحياء التراث الحضارى لشعبنا، وتطوير الفولكلور الشعبى وخرجت من بين صفوفها عدداً من الشعراء والفنانين والكتاب الذين يسهمون فى تطوير الثقافة العربية، وربما امتد ذلك إلى الثقافة العالمية، وكان المحتوى لكل ذلك يحمل طابعاً إنسانياً عميقاً آثار إعجاب كل الأصدقاء الذين أطلعوا عليه وكنا بذلك النقيض لعدونا الذى قام على هدم الحضارة والثقافة بترويج الأفكار العنصرية والاستعمارية وكل ما هو معاد للشعوب والتقدم والعدل والديمقراطية والسلام. سيدى الرئيس،،،

لقد اكتسبت منظمة التحرير الفلسطينية شرعيتها من طبيعتها فى التضحية ومن قيادتها للنضال بكافة أشكاله، واكتسبتها من الجماهير الفلسطينية التى أولتها قيادة العمل واستجابت لتوجيهها... واكتسبها من تمثيل كل فصيل ونقابة وتجمع وكفاءة فلسطينية فى مجلسها الوطنى ومؤسساتها الجماهيرية، وقد تدعمت هذه الشرعية بمؤازرة الأمة العربية كلها لها. وكما تكرر هذا الدعم فى مؤتمر القمة العربى الأخير بتأكيد حق منظمة التحرير الفلسطينية فى إقامة السلطة الوطنية المستقلة على كل الأراضى الفلسطينية التى يتم تحريرها بصفتها الممثلة الشرعية الوحيدة للشعب الفلسطينى.

كما أن شرعيتها تعمقت من خلال دعم الأخوة فى حركات التحرر ودول العالم الصديقة المناصرة التى وقفت إلى جانب المنظمة تدعمها وتشد أزرها فى نضالها من أجل حقوق الشعب الفلسطينى.

وهنا لا بد أن أعلن بكل اعتزاز شكر ثوارنا وشعبنا للمواقف المشرفة التى وقفتها مع نضال شعبنا دول عدم الانحياز والدول الاشتراكية والدول الإسلامية الإفريقى والدول الصديقة فى أوروبا وكذلك الأصدقاء فى آسيا وأفريقيا وأمريكا اللاتينية.

سيدى الرئيس،،،

إن منظمة التحرير الفلسطينية هى الممثل الشرعى والوحيد للشعب الفلسطينى وهى بهذه الصفة تنقل إليكم تلك الرغبات والأمانى وتحملكم مسؤولية تاريخية كبيرة تجاه قضيتنا العادلة.

سيادة الرئيس،،،

لقد تعرض شعبنا لويلات الحرب والدمار والتشريد سنين طويلة، ودفع شعبنا من دماء أبنائه وأرواحهم ما يعوّض بثمن.

وعانى من الاحتلال والتشريد والنزوح والإرهاب ما لم يعان منه شعب آخر. ولكن ذلك كله لا يجعل شعبنا حاقداً يحلم بالانتقام، كما أنه لا يجعلنا يا سيادة الرئيس تقع فى سقطة عدونا العنصرية أو نفق الرؤية الحقيقية فى تحديد أعدائنا وأصدقائنا.

إننا ندين كل الجرائم التى ارتكبت ضد اليهود وكل أنواع التمييز الصريح والمقنع الذى عانى منه معتنقو اليهودية. سيدي الرئيس،،،

إننى ثائر من أجل الحرية. واعرف أن كثيرين من الجالسين فى هذه القاعة كانوا فى مثل المواقع النضالية التى أقتل منها الآن.

واستطاعوا من خلال نضالهم أن يحولوا أحلامهم إلى حقائق. إنهم شركائى فى الحلم إذن، من هنا أسألهم أن نمضى فى تحويل الحلم المشترك بمستقبل السلام فى هذه الأرض الفلسطينية المقدسة إلى حقائق ساطعة. لقد وقف المناضل اليهودى أهود أديف فى المحكمة العسكرية الإسرائيلية قائلاً: أنا لست مخرباً... أنا من المؤمنين بإقامة الدول الديمقراطية على هذه الأرض، أنه الآن فى غياهب سجون الزمرة العسكرية الصهيونية مع زملاء له. ويمثل الآن، أمام هذه المحاكم ذاتها، أمير شجاع من أمراء الكنيسة المسيحية هو المطران كيوجى. انه يرفع أصابعه بعلامة النصر - شعار ثوارنا - ويقول: " إننى أعمل من أجل السلام فى فلسطين ليعيش الجميع على أرض السلام بسلام". وسيلقى هذا الأمير الراهب المصير ذاته فى غياهب السجون.

فلماذا لا أحلم، يا سيادة الرئيس، وآمل، والثورة هى صناعة تحقيق الأحلام والآمال، فلنعمل معاً على تحقيق الحلم فى أن أعود مع شعبى منمنفاى لأعيش مع هذا المناضل اليهودى ورفاقه، ومع هذا المناضل الراهب المسيحى وإخوانه فى ظل دولة واحدة ديمقراطية يعيش فيها المسيحى والمسلم فى كنف المساواة والعدل والإخاء.

ألا يستحق هذا الهدف الإنسانى النبيل أن أتاضل من أجل تحقيقه مع كل الشرفاء فى العالم؟ ولعل أروع ما فى هذا الهدف العظيم هو أنه من أجل فلسطين... أرض القداسة والسلام، أرض الاستشهاد والبطولة.

لقد ناضل اليهود يا سيادة الرئيس فى أوروبا وهنا فى أمريكا من أجل أوطان لا طائفية تفصل فيها الدول عن الكنيسة وقتلوا ضد التمييز على أساس الدين. فكيف يمكن لهم أن يرفضوا هذا النموذج الإنسانى المشرف على الأرض المقدسة، أرض السلام والمساواة؟ وكيف يمكن لهم أن يستمروا فى دعم أكثر دول العالم انغلاقاً وتميزاً وتعصباً؟

إننى أعلن أمامكم هنا كرئيس لمنظمة التحرير الفلسطينية وقائد للثورة الفلسطينية أننا عندما نتحدث عن آمالنا المشتركة من أجل فلسطين الغد فنحن نشمل فى تطلعاتنا كل اليهود الذين يعيشون الآن فى فلسطين ويقبلون العيش معنا فى سلام ودون تمييز على أرض فلسطين.

إننى بصفتى رئيساً لمنظمة التحرير وقائداً لقوات الثورة الفلسطينية أدعوا اليهود فرداً فرداً ليعيدوا النظر فى طريق الهاوية الذى تقودهم إليه الصهيونية والقيادات الإسرائيلية وهى التى لم تقدم لهم غير النزيف الدموى الدائم والاستمرار فى خوض الحروب واستخدامهم كوقود دائم لها.

إننا ندعوكم للخروج إلى مجال الاختيار الرحب بعيداً عن محاولات قيادتكم لغرس عقيدة المساواة وجعلها قدراً لكم. إننا نقدم لكم أكرم دعوة... أن نعيش معاً فى إطار السلام العادل فى فلسطينا الديمقراطية.

إننى كرئيس لمنظمة التحرير الفلسطينية وكقائد للثورة الفلسطينية أعلن هنا أننا لا نريد إراقة نقطة دم يهودية أو عربية... ولا نستعذب استمرار القتال دقيقة واحدة إذا حل السلام العادل المبني على حقوق شعبنا وتطلعاته وأمانيه.

إننى كرئيس لمنظمة التحرير الفلسطينية وكقائد للثورة الفلسطينية أتوجه إليكم أن تقفوا مع نضال شعبنا من أجل تطبيق حقه فى تقرير مصيره، هذا الحق الذى كرسه ميثاق منظماتكم وأقرته جمعيتكم الموقرة فى مناسبات عديدة.. وإننى أتوجه إليكم أيضاً أن تمكنوا شعبنا من العودة منمنفاه الإجماعى الذى دفع إليه تحت حراب البنادق وبالعسف والظلم ليعيش فى ظنه ودياره وتحت ظلال أشجار حرراً سيداً متمتعاً بكافة حقوقه القومية ليشارك فى

ركب الحضارة البشرية وفى مجالات الإبداع الإنسانى بكل ما فيه من إمكانات وطاقات وليحمى قدسه الحبيبة كما فعل دائماً عبر التاريخ ويجعلها قبلة حرة لجميع الأديان بعيداً عن الإرهاب والقهر. كما اتوجه إليكم بأن تمكنوا شعبنا من إقامة سلطته الوطنية المستقلة وتأسيس كيانه الوطنى على أرضه. لقد جئتمكم يا سيادة الرئيس بغصن الزيتون مع بندقيّة ثائر.. فلا تسقطوا الغصن الأخضر من يدي. سيادة الرئيس....

الحرب تندلع من فلسطين والسلام يبدأ من فلسطين.

...

تا آنجا كه مى دانم تنها آفای محمود کتابى ضمن اشاره به رویداهای سیاسى خاورمیانه، بخشى از سخنان عرفات در سازمان ملل را بازتاب داده اند، اگر دیگران نیز به ان پرداخته باشند، من اطلاع ندارم.

**A UNITED  
NATIONS**

**General Assembly**



A/PV.2282 and Corr.1

13 November 1974

2282<sup>nd</sup>

**PLENARY MEETING**

*Wednesday, 13 November 1974,*

*at 10.30 a.m.*

NEW YORK

***United Nations***

GENERAL ASSEMBLY

*TWENTY-NINTH SESSION*

***Official Records***

CONTENTS

Agenda item 108:

Question of Palestine) *continued*..... (Page 861

*President* :Mr. Abdelaziz BOUTEFLIKA

)Algeria(

## AGENDA ITEM 108

### **Question of Palestine**) *continued* \*(

.1The PRESIDENT) *interpretation from French* : (Members will recall that the General Assembly, in its resolution 3210 (XXIX), adopted on 14 October 1974, decided to invite the Palestine Liberation Organization [PLO ],[the representative of the Palestinian people, to participate in the deliberations of the General Assembly on the question of Palestine in plenary meetings .

*]The President continued in Arabic [*

.2The PRESIDENT) *interpretation from Arabic* : (On behalf of the General Assembly, I wish to extend a warm welcome to Mr. Yasser Arafat ,Chairman of the Executive Committee of the Palestine Liberation Organization and Commander-in-Chief of the Palestine Revolution. I now invite him to address the General Assembly .

.3Mr. ARAFAT) *interpretation from Arabic* : (In the name of the people of Palestine and the leader of its national struggle, the Palestine Liberation Organization, I take this opportunity to extend to you, Mr. President, my warmest congratulations on your election to the presidency of the twenty-ninth session of the United Nations General Assembly .We have, of course, long known you to be a sincere and devoted defender of the cause of freedom, justice and peace. We have known you also to be in the vanguard of the freedom fighters in their heroic Algerian war of national liberation. Today Algeria has attained a distinguished position in the world community and has assumed its responsibilities both in the national and in the international fields, thus earning the support and esteem of all the countries of the world .

.4I also avail myself of this opportunity to extend my sincerest appreciation to Mr. Kurt Waldheim, the Secretary-General of the United Nations ,for the great efforts he has made and is still making to enable us to assume our responsibilities in the smoothest possible way .

.5In the name of the people of Palestine I take this opportunity to congratulate three States that have recently been admitted to membership in the United Nations after

obtaining their national independence :Guinea-Bissau ,Bangladesh and Grenada .I extend our best wishes to the leaders of those Member States and wish them progress and success .

.6Mr. President, I thank you for having invited the PLO to participate in this plenary session of the United Nations General Assembly. I am grateful to all those representatives of States of the United Nations who contributed to the decision to introduce the question of Palestine as a separate item on the agenda of this Assembly. That decision made possible the Assembly's resolution inviting us to address it on the question of Palestine .

.7This is a very important occasion. The question of Palestine is being re-examined by the United Nations, and we consider that step to be a victory for the world Organization as much as a victory for the cause of our people. It indicates anew that the United Nations of today is not the United Nations of the past, just as today's world is not yesterday's world. Today's United Nations represents 138 nations, a number that more clearly reflects the will of the international community. Thus today's United Nations is more nearly capable of implementing the principles embodied in its Charter and in the Universal Declaration of Human Rights, as well as being more truly empowered to support causes of peace and justice .

.8Our peoples are now beginning to feel that change. Along with them, the peoples of Asia, Africa and Latin America also feel the change. As a result, the United Nations acquires greater esteem both in our people's view and in the view of other peoples. Our hope is thereby strengthened that the United Nations can contribute actively to the pursuit and triumph of the causes of peace, justice, freedom and independence. Our resolve to build a new world is fortified – a world free of colonialism, imperialism, neo-colonialism and racism in each of its instances ,including hralld .

.9Our world aspires to peace, justice, equality and freedom. It wishes that oppressed nations, bent under the weight of imperialism, might gain their freedom and their right to self-determination. It hopes to place the relations between nations on a basis of equality, peaceful coexistence, mutual respect for each other's internal



affairs, secure national sovereignty, independence and territorial unity on the basis of justice and mutual benefit. This world resolves that the economic ties binding it together should be grounded in justice, parity and mutual interest. It aspires finally to direct its human resources against the scourge of poverty, famine, disease and natural calamity, toward the development of productive scientific and technical capabilities to enhance human wealth – all this in the hope of reducing the disparity between the developing and the developed countries. But all such aspirations cannot be realized in a world that is at present ruled over by tension, injustice, oppression, racial discrimination and exploitation, a world also threatened with unending economic disasters, war and crisis.

.10 Great numbers of peoples, including those of Zimbabwe, Namibia, South Africa and Palestine, among many others, are still victims of oppression and violence. Their areas of the world are gripped by armed struggles provoked by imperialism and racial discrimination, both merely forms of aggression and terror. Those are instances of oppressed peoples compelled by intolerable circumstances into confrontation with such oppression. But wherever that confrontation occurs it is legitimate and just.

.11 It is imperative that the international community should support these peoples in their struggles, in the furtherance of their rightful causes and the attainment of their right to self-determination.

.12 In Indo-China, the peoples are still exposed to aggression. They remain subjected to conspiracies preventing them from attaining peace and realizing their goals. Although peoples everywhere have welcomed the agreements on peace reached in Laos and South Viet Nam, no one can say that genuine peace has been achieved, nor that those forces responsible in the first place for aggression have now desisted from their attacks on Viet Nam. The same can be said of the present military aggression against the people of Cambodia. It is therefore incumbent on the international community to support these oppressed peoples, and also to condemn the oppressors for their designs against peace. Moreover, despite the positive stand taken by the Democratic People's Republic of Korea with regard to a peaceful, just solution of the Korean question, there is as yet no settlement of that question.



.13A few months ago the problem of Cyprus erupted violently before us. All peoples everywhere shared in the suffering of the Cypriots. We ask that the United Nations continue its efforts to reach a just solution in Cyprus ,thereby sparing the Cypriots further war and ensuring peace and independence for them instead. Undoubtedly , however, consideration of the question of Cyprus belongs within that of Middle Eastern problems as well as of Mediterranean problems .

.14In their efforts to replace an outmoded but still dominant world economic system with a new, more logically rational one, the countries of Asia ,Africa and Latin America must nevertheless face implacable attacks on these efforts. These countries have expressed their views at the sixth special session of the General Assembly on raw materials and development. Thus the plundering, the exploitation, the siphoning-off of the wealth of impoverished peoples must be terminated forthwith. There must be no deterring of these peoples' efforts to develop and control their wealth . Furthermore, there is a grave necessity for arriving at fair prices for raw materials from these countries .

.15In addition, these countries continue to be hampered in the attainment of their primary objectives formulated at the Third United Nations Conference on the Law of the Sea at Caracas ,at the World Population Conference at Bucharest and at the World Food Conference in Rome .

The United Nations should therefore bend every effort to achieve a radical alteration of the world economic system, making it possible for developing countries to develop. The United Nations must shoulder the responsibility for fighting inflation, now borne most heavily by the developing countries, especially the oil-producing countries. The United Nations must firmly condemn any threats made against these countries simply because they demand their just rights .

.16The world-wide armaments race shows no sign of abating. As a consequence, the entire world is threatened with the dispersion of its wealth and the utter waste of its energies. Armed violence is made more likely everywhere. We expect the United Nations to devote itself single-mindedly to curbing the unlimited acquisition of arms;

to preventing even the possibility of nuclear destruction; to reducing the vast sums spent on military technology; to converting expenditure on war into projects for development, for increasing production, and for benefiting common humanity .

.17And still, the highest tension exists in our part of the world .There the Zionist entity clings tenaciously to occupied Arab territory; hralld persists , in its aggressions against us and our territory. New military preparations are feverishly being made. These anticipate another, fifth war of aggression to be launched against us. Such signs bear the closest possible watching, since there is a grave likelihood that this war would forebode nuclear destruction and cataclysmic annihilation .

.18The world is in need of tremendous efforts if its aspirations to peace, freedom justice, equality and development are to be realized if its struggle is to be victorious over colonialism, imperialism, neo-colonialism and racism in all its forms, including hralld. Only by such efforts can actual form be given to the aspirations of all peoples, including the aspirations of peoples whose States oppose such efforts. It is this road that leads to the hralldom of those principles emphasized by the United Nations Charter and the Universal Declaration of Human Rights. Were the status quo simply to be maintained ,however, the world would instead be exposed to prolonged armed conflict, in addition to economic. Human and natural calamity .

.19Despite abiding world crises, despite even the gloomy powers of backwardness and disastrous wrong, we live in a time of glorious change. An old world order is crumbling before our eyes, as imperialism, colonialism ,neo-colonialism and racism, the chief form of which is hralld, ineluctably perish. We are privileged to be able to witness a great wave of history bearing peoples forward into a new world that they have created. In that world just causes will triumph. Of that we are confident .

.20The question of Palestine belongs in this perspective of emergence and struggle . Palestine is crucial amongst those just causes fought for unstintingly by masses labouring under imperialism and aggression. It cannot be, and is not, lost on me today, as I stand here before the General Assembly, that if I have been given the opportunity to address the General Assembly, so too must the opportunity be given

to all liberation movements fighting against racism and imperialism. In their names, in the name of every human being struggling for freedom and self-determination, I call upon the General Assembly urgently to give their just causes the same full attention the General Assembly has so rightly given to our cause. Such recognitions once made, there will be a secure foundation thereafter for the preservation of universal peace. For only with such peace will a new world order endure in which peoples can live free of oppression

fear, terror and the suppression of their rights. As I said earlier, this is the true perspective in which to set the question of Palestine. I shall now do so for the General Assembly, keeping firmly in mind both the perspective and the goal of a coming world order.

.21 Even as today we address the General Assembly from what is before all else an international rostrum, we are also expressing our faith in political and diplomatic struggle as complements, as enhancements of our armed struggle. Furthermore, we express our appreciation of the role the United Nations is capable of playing in settling problems of international scope. But this capability, I said a moment ago, became real only once the United Nations had accommodated itself to the living actuality of aspiring peoples, towards which an Organization of so truly international a dimension owes unique obligations.

.22 In addressing the General Assembly today, our people proclaims its faith in the future, unencumbered either by past tragedies or present limitations. If, as we discuss the present, we enlist the past in our service, we do so only to light up our journey into the future alongside other movements of national liberation. If we return now to the historical roots of our cause we do so because present at this very moment in our midst are those who, while they occupy our homes, as their cattle graze in our pastures, and as their hands pluck the fruit of our trees, claim at the same time that we are disembodied spirits, fictions without presence, without traditions or future. We speak of our roots also because until recently some people have regarded – and continued to regard – our problem as merely a problem of refugees. They have portrayed the Middle East question as little more than a border

dispute between the Arab States and the Zionist entity. They have imagined that our people claims rights not rightfully its own and fights neither with logic nor valid motive, with a simple wish only to disturb the peace and to terrorize wantonly. For there are amongst you – and here I refer to the United States of America and others like it – those who supply our enemy freely with planes and bombs and with every variety of murderous weapon. They take hostile positions against us, deliberately distorting the true essence of the problem .All this is done not only at our expense, but at the expense of the American people, and of the friendship we continue to hope can be cemented between us and this great people, whose history of struggle for the sake of freedom we honour and salute .

.23I cannot now forgo this opportunity to appeal from this rostrum directly to the American people, asking it to give its support to our heroic and fighting people. I ask it whole-heartedly to endorse right and justice, to recall George Washington to mind, heroic Washington whose purpose was his nation's freedom and independence, Abraham Lincoln, champion of the destitute and the wretched, and also Woodrow Wilson .

Whose doctrine of Fourteen Points remains subscribed to and venerated by our people. I ask the American people whether the demonstrations of hostility and enmity taking place outside this great hall reflect the true intent of America's will. What crime, I ask you plainly, has our people committed against the American people? Why do you fight us so? Does such unwarranted belligerence really serve your interests? Does it serve the interests of the American masses? No, definitely not. I can only hope that the American people will remember that their friendship with the whole Arab nation is too great, too abiding and too rewarding for any such demonstrations to harm it .

.24In any event, as our discussion of the question of Palestine focuses upon historical roots, we do so because we believe that any question now exercising the world's concern must be viewed radically, in the true root sense of that word. If a real solution is ever to be grasped. We propose this radical approach as an antidote

to an approach to international issues that obscures historical origins behind ignorance, denial, and a slavish obeisance to the present .

.25The roots of the Palestinian question reach back into the closing years of the nineteenth century, in other words, to that period we call the era of colonialism and settlement as we know it today. This is precisely the period during which heralded as a scheme was born; its aim was the conquest of Palestine by European immigrants, just as settlers colonized, and indeed raided, most of Africa .This is the period during which, pouring forth out of the west, colonialism spread into the furthest reaches of Africa, Asia and Latin America, building colonies, everywhere cruelly exploiting, oppressing, plundering the peoples of those three continents. This period persists into the present. Marked evidence of its totally reprehensible presence can be readily perceived in the racism heralded both in South Africa and in Palestine .

.26Just as colonialism and its demagogues dignified their conquests ,their plunder and limitless attacks upon the natives of Africa with appeals to a "civilizing and modernizing" mission, so too did waves of Zionist immigrants disguise their purposes as they conquered Palestine .Just as colonialism as a system and colonialists as its instrument used religion, colour, race and language to justify the African's exploitation and his cruel subjugation by terror and discrimination, so too were these methods employed as Palestine was usurped and its people hounded from their national homeland .

.27Just as colonialism heedlessly used the wretched, the poor, the exploited as mere inert matter with which to build and to carry out settler colonialism, so too were destitute, oppressed European Jews employed on behalf of world imperialism and of the Zionist leaders. European Jews were transformed into the instruments of aggression – they became the elements of settler colonialism intimately allied to racial discrimination .

.28Zionist theology was utilized against our Palestinian people: the purpose was not only the establishment of Western-style settler colonialism but also the severing of Jews from their various homelands and subsequently their estrangement from their

nations. Zionism is an ideology that is imperialist ,colonialist, racist; it is profoundly reactionary and discriminatory; it is united with anti-Semitism in its retrograde tenets and is, when all is said and done, another side of the same base coin. For when what is proposed is that adherents of the Jewish faith, regardless of their national residence, should neither owe allegiance to their national residence nor live on equal footing with its other, non-Jewish citizens – when that is proposed we hear anti-Semitism being proposed. When it is proposed that the only solution for the Jewish problem is that Jews must alienate themselves from communities or nations of which they have been a historical part, when it is proposed that Jews solve the Jewish problem by immigrating to and forcibly settling the land of another people – when this occurs, exactly the same position is being advocated as the one urged by anti-Semites against Jews .

.29Thus, for instance, we can understand the close connexion between Cecil Rhodes, who promoted settler colonialism in south-east Africa, and Theodor Herzl, who had settler colonialist designs upon Palestine .Having received a certificate of good settler colonialist conduct from Rhodes, Herzl then turned around and presented this certificate to the British Government, hoping thus to secure a formal resolution supporting Zionist policy. In exchange, the Zionists promised Britain an imperialist base on Palestinian soil so that imperial interests could be safeguarded at one of their chief strategic points .

.30So the Zionist movement allied itself directly with world colonialism in a common raid on our land. Allow me now to present a selection of historical truths about this alliance .

.31The Jewish invasion of Palestine began in 1881. Before the first large wave of immigrants started arriving ,Palestine had a population of half a million ;most of the population was either Muslim or Christian, and only 20,000 were Jewish. Every segment of the population enjoyed the religious tolerance characteristic of our civilization .

.32Palestine was then a verdant land, inhabited mainly by an Arab people in the course of building its life and dynamically enriching its indigenous culture .

.33Between 1882 and 1917 the Zionist movement settled approximately 50,000 European Jews in our homeland. To do that it resorted to trickery and deceit in order to implant them in our midst. Its success in getting Britain to issue the Balfour Declaration once again demonstrated the alliance between hralld and imperialism . Furthermore, by promising to the Zionist movement what was not its to give ,Britain showed how oppressive was the rule of imperialism. As it was constituted then, the League of Nations abandoned our Arab people, and Wilson’s pledges and promises came to nought .In the guise of a Mandate, British imperialism was cruelly and directly imposed upon us. The Mandate issued by the League of Nations was to enable the Zionist invaders to consolidate their gains in our homeland .

.34Over a period of 30 years after the Balfour Declaration, the Zionist movement, together with its colonial ally, succeeded in bringing about the immigration of more European Jews and the usurpation of the lands of the Arabs of Palestine. Thus, in 1947 the Jewish population of Palestine was approximately 600,000, owning less than 6 per cent of the fertile lands of Palestine ,while the Arab population of Palestine numbered approximately 1,250,000 .

.35As a result of the collusion between the Mandatory Power and the Zionist movement and with the support of some countries, this General Assembly early in its history approved a recommendation to partition our Palestinian homeland. This took place in an atmosphere poisoned with questionable actions and strong pressure. The General Assembly partitioned what it had no right to divide – an indivisible homeland. When we rejected that decision, our position corresponded to that of the natural mother who refused to permit King Solomon to cut her son in two when the unnatural mother claimed the child for herself and agreed to his dismemberment. Furthermore, even though the partition resolution granted the colonialist settlers 54 per cent of the land of Palestine ,their dissatisfaction with the decision prompted them to wage a war of terror against the civilian Arab population. They occupied 81 per cent of the total area of Palestine ,uprooting a million Arabs. Thus, they occupied

524 Arab towns and villages, of which they destroyed 385, completely obliterating them in the process. Having done so, they built their own settlements and colonies on the ruins of our farms and our groves. The roots of the Palestine question lie here. Its causes do not stem from any conflict between two religions or two nationalisms. Neither is it a border conflict between neighboring States. It is the cause of people deprived of its homeland, dispersed and uprooted, and living mostly in exile and in refugee camps .

.36With support from imperialist and colonialist Powers, the Zionist entity managed to get itself accepted as a Member of the United Nations. It further succeeded in getting the Palestine question deleted from the agenda of the United Nations and in deceiving world public opinion by presenting our cause as a problem of refugees in need either of charity from do-gooders, or settlement in a land not theirs .

.37Not satisfied with all this, the racist entity, founded on the imperialist-colonialist concept, turned itself into a base of imperialism and into an arsenal of weapons. This enabled it to assume its role of subjugating the Arab people and of committing aggression against them, in order to satisfy its ambitions for further expansion on Palestinian and other Arab lands. In addition to the many instances of aggression committed by this entity against the Arab States, it has launched two large-scale wars, in 1956 and 1967, thus endangering world peace and security .

.38As a result of Zionist aggression in June 1967, the enemy occupied Egyptian Sinai as far as the Suez Canal .The enemy occupied Syria's Golan Heights, in addition to all Palestinian land west of the Jordan .All these developments have led to the creation in our area of what has come to be known as the" Middle East problem". The situation has been rendered more serious by the enemy's persistence in maintaining its unlawful occupation and in further consolidating it, thus establishing a beachhead for world imperialism's thrust against our Arab nation. All Security Council decisions and appeals to world public opinion for withdrawal from the lands occupied in June 1967 have been ignored. Despite all the peaceful efforts on the international level, the enemy has not been deterred from its expansionist policy. The only alternative open before our Arab nations, chiefly Egypt and Syria ,was to expend exhaustive



efforts in preparing forcefully to resist that barbarous armed invasion – and this in order to liberate Arab lands and to restore the rights of the Palestinian people, after all other peaceful means had failed .

.39Under these circumstances, the fourth war broke out in October ,1973 bringing home to the Zionist enemy the bankruptcy of its policy of occupation, expansion and its reliance on the concept of military might. Despite all this, the leaders of the Zionist entity are far from having learned any lesson from their experience. They are making preparations for the fifth war ,resorting once more to the language of military superiority, aggression ,terrorism, subjugation and, finally, always to war in their dealings with the Arabs .

.40It pains our people greatly to witness the propagation of the myth that its homeland was a desert until it was made to bloom by the toil of foreign settlers, that it was a land without a people, and that the colonialist entity caused no harm to any human being. No: such lies must be exposed from this rostrum, for the world must know that Palestine was the cradle of the most ancient cultures and civilizations. Its Arab people were engaged in farming and building, spreading culture throughout the land for thousands of years, setting an example in the practice of freedom of worship, acting as faithful guardians of the holy places of all religions. As a son of Jerusalem ,I treasure for myself and my people beautiful memories and vivid images of the religious brotherhood that was the hallmark of our Holy City before it succumbed to catastrophe. Our people continued to pursue this enlightened policy until the establishment of the State of Israel and their dispersion. This did not deter our people from pursuing their humanitarian role on Palestinian soil. Nor will they permit their land to become a launching pad for aggression or a racist camp predicated on the destruction of civilization, cultures, progress and peace. Our people cannot but maintain the heritage of their ancestors in resisting the invaders, in assuming the privileged task of defending their native land, their Arab nationhood, their culture and civilization, and in safeguarding the cradle of monotheistic religions .

.41By contrast, we need only mention briefly some Israeli stands :its support of the Secret Army Organization in Algeria ,its bolstering of the settler-colonialists in Africa –

whether in the Congo ,Angola ,Mozambique ,Zimbabwe ,Azania or South Africa – and its backing of South Viet Nam against the Vietnamese revolution. In addition, one can mention Israel’s continuing support of imperialists and racists everywhere, its obstructionist stand in the Committee of Twenty-four ,its refusal to cast its vote in support of independence for the African States ,and its opposition to the demands of many Asian, African and Latin American nations, and several other States in the conferences on raw materials ,population, the law of the sea, and food. All these facts offer further proof of the character of the enemy that has usurped our land. They justify the honourable struggle we are waging against it. As we defend a vision of the future, our enemy upholds the myths of the past .

.42The enemy we face has a long record of hostility even towards the Jews themselves, for there is within the Zionist entity a built-in racism against Oriental Jews. While we were vociferously condemning the massacres of Jews under Nazi rule, Zionist leadership appeared more interested at that time in exploiting them as best it could in order to realize its goal of immigration into Palestine .

.43If the immigration of Jews to Palestine had had as its objective the goal of enabling them to live side by side with us, enjoying the same rights and assuming the same duties, we would have opened our doors to them, as far as our homeland’s capacity for absorption permitted. Such was the case with the thousands of Armenians and Circassians who still live among us in equality as brethren and citizens. But that the goal of this immigration should be to usurp our homeland, disperse our people, and turn us into second-class citizens – this is what no one can conceivably demand that we acquiesce in or submit to .Therefore, since its inception, our evolution has not been motivated by racial or religious factors. Its target has never been the Jew, as a person, but racist hralld and undisguised aggression. In this sense, ours is also a revolution for the Jew, as a human being, as well. We are struggling so that Jews, Christians and Muslims may live in equality, enjoying the same rights and assuming the same duties, free from racial or religious discrimination .

.44We do distinguish between Judaism and hralld. While we maintain our opposition to the colonialist Zionist movement, we respect the Jewish faith .Today, almost one century after the rise of the Zionist movement, we wish to warn of its increasing danger to the Jews of the world, to our Arab people and to world peace and security. For hralld encourages the Jew to emigrate out of his homeland and grants him an artificially-created nationality. The Zionists proceed with their terrorist activities even though these have proved ineffective. The phenomenon of constant emigration from Israel ,which is bound to grow as the bastions of colonialism and racism in the world fall, is an example of the inevitability of the failure of such activities .

.45We urge the people and Governments of the world to stand firm against Zionist attempts at encouraging world Jewry to emigrate from their countries and to usurp our land. We urge them as well firmly to oppose any discrimination against any human being as to religion, race, or colour .

.46Why should our Arab Palestinian people pay the price of such discrimination in the world? Why should our people be responsible for the problems of Jewish immigration, if such problems exist in the minds of some people? Why do not the supporters of these problems open their own countries ,which can absorb and help these immigrants ?

.47Those who call us terrorists wish to prevent world public opinion from discovering the truth about us and from seeing the justice on our faces .They seek to hide the terrorism and tyranny of their acts, and our own posture of self-defence .

.48The difference between the revolutionary and the terrorist lies in the reason for which each fights. For whoever stands by a just cause and fights for the

freedom and liberation of his land from the invaders, the settlers and the colonialists cannot possibly be called terrorist, otherwise the American people in their struggle for liberation from the British colonialists would have been terrorists; the European resistance against the Nazis would be terrorism ,the struggle of the Asian, African and Latin American peoples would also be terrorism, and many of you who are in this Assembly hall were considered terrorists. This is actually a just and proper struggle

consecrated by the United Nations Charter and by the Universal Declaration of Human Rights. As to those who fight against the just causes, those who wage war to occupy, colonize and oppress other people, those are the terrorists. Those are the people whose actions should be condemned, who should be called war criminals: for the justice of the cause determines the right to struggle .

.49Zionist terrorism which was waged against the Palestinian people to evict it from its country and usurp its land is registered in your official documents. Thousands of our people were assassinated in their villages and towns; tens of thousands of others were forced at gunpoint to leave their homes and the lands of their fathers. Time and time again our children, women and aged were evicted and had to wander in the deserts and climb mountains without any food or water. No one in 1948 witnessed the catastrophe that befell the inhabitants of hundreds of villages and towns – in Jerusalem, Jaffa, Lydda ,Ramle and Galilee – no one who has been a witness to that catastrophe will ever forget the experience, even though the mass black-out has succeeded in hiding these horrors as it has hidden the traces of 385 Palestinian villages and towns destroyed at the time and erased from the map. The destruction of 19,000 houses during the past seven years, which is equivalent to the complete destruction of 200 more Palestinian villages, and the great number of maimed as a result of the treatment they were subjected to in Israeli prisons cannot be hidden by any black-out .

.50Their terrorism fed on hatred and this hatred was even directed against the olive tree in my country, which has been a proud symbol and which reminded them of the indigenous inhabitants of the land, a living reminder that the land is Palestinian. Thus they sought to destroy it. How can one describe the statement by Golda Meir which expressed her disquiet about “the Palestinian children born every day”? They see in the Palestinian child, in the Palestinian tree, an enemy that should be exterminated. For tens of years Zionists have been hralldom our people’s cultural, political, social and artistic leaders ,terrorizing them and assassinating them. They have stolen our cultural heritage ,our popular folklore and have claimed it as theirs. Their terrorism even reached our sacred places in our beloved and peaceful Jerusalem .They have

endeavoured to de-Arabize it and make it lose its Muslim and Christian character by evicting its inhabitants and annexing it .

.51I must mention the fire of the Al Aqsa Mosque and the disfiguration of many of the monuments which are both historic and religious in character .Jerusalem ,with its religious history and its spiritual values, bears witness to the future. It is proof of our eternal presence, of our civilization, of our human values. It is therefore not surprising that under its sky the three religions were born and that under that sky these three religions shine in order to enlighten mankind so that it might express the tribulations and hopes of humanity, and that it might mark out the road of the future with its hopes .

.52The small number of Palestinian Arabs who were not uprooted by the Zionists in 1948 are at present refugees in their own homeland. Israeli law treats them as second-class citizens – and even as third-class citizens since Oriental Jews are second-class citizens – and they have been subject to all forms of racial discrimination and terrorism after confiscation of their land and property. They have been victims of bloody massacres such as that of Kfar Kassim; they have been expelled from their villages and denied the right to return, as in the case of the inhabitants of Ikrit and Kfar Birim. For 26 years ,our population has been living under martial law and was denied freedom of movement without prior permission from the Israeli military governor, this at a time when an Israeli law was promulgated granting citizenship to any Jew anywhere who wanted to emigrate to our homeland. Moreover, another Israeli law stipulated that Palestinians who were not present in their villages or towns at the time of the occupation were not entitled to Israeli citizenship .

.53The record of Israeli rulers is replete with acts of terror perpetrated on those of our people who remained under occupation in Sinai and the Golan Heights .The criminal bombardment of the Bahr-al-Bakar School and the Abou Zaabal factory are but two such unforgettable acts of terrorism. The total destruction of the Syrian city of Quneitra is yet another tangible instance of systematic terrorism. If a record of Zionist terrorism in South Lebanon were to be compiled, the enormity of its acts

would shock even the most hardened: piracy, bombardments, scorched-earth policy, destruction of hundreds of homes, eviction of civilians and the kidnapping of Lebanese citizens. This clearly constitutes a violation of Lebanese sovereignty and is in preparation for the diversion of the Litani River waters .

.54Need one remind this Assembly of the numerous resolutions adopted by it condemning Israeli aggressions committed against Arab countries, Israeli violations of human rights and the articles of the Geneva Conventions, as well as the resolutions pertaining to the annexation of the city of Jerusalem and its restoration to its former status ?

.55The only description for these acts is that they are acts of,barbarism and terrorism. And yet, the Zionist racists and colonialists have the temerity to describe the just struggle of our people as terror. Could there be a more flagrant distortion of truth than this? We ask those who usurped our land, who are committing murderous acts of terrorism against our people and are hralldom racial discrimination more extensively than the racists of South Africa ,we ask them to keep in mind the General Assembly resolution that called for the one-year suspension of the membership of the Government of South Africa from the United Nations. Such is the inevitable fate of every racist country that adopts the law of the jungle, usurps the homeland of others and persists in oppression .

.56For the past 30 years, our people have had to struggle against British occupation and Zionist invasion, both of which had one intention ,namely, the usurpation of our land. Six major revolts and tens of popular uprisings were staged to foil these attempts, so that our homeland might remain ours. Over 30,000 martyrs, the equivalent in comparative terms of 6 million Americans, died in the process .

.57When the majority of the Palestinian people was uprooted from its homeland in 1948, the Palestinian struggle for self-determination continued under the most difficult conditions. We tried every possible means to continue our political struggle to attain our national rights, but to no avail .Meanwhile, we had to struggle for sheer

existence. Even in exile we educated our children. This was all a part of trying to survive .

.58The Palestinian people produced thousands of physicians, lawyers ,teachers and scientists who actively participated in the development of the Arab countries bordering on their usurped homeland. They utilized their income to assist the young and aged amongst their people who remained in the refugee camps. They educated their younger sisters and brothers, supported their parents and cared for their children. All along, the Palestinian dreamt of return .Neither the Palestinian's allegiance to Palestine nor his determination to return waned; nothing could persuade him to relinquish his Palestinian identity or to forsake his homeland. The passage of time did not make him forget, as some hoped he would. When our people lost faith in the international community, which persisted in ignoring its rights, and when it became obvious that the Palestinians would not recuperate one inch of Palestine through exclusively political means ,our people had no choice but to resort to armed struggle. Into that struggle it poured its material and human resources. We bravely faced the most vicious acts of Israeli terrorism, which were aimed at diverting our struggle and arresting it .

.59In the past 10 years of our struggle, thousands of martyrs and twice as many wounded, maimed and imprisoned were offered in sacrifice, all in an effort to resist the imminent threat of liquidation, to regain our right to self-determination and our undisputed right to return to our homeland. With the utmost dignity and the most admirable revolutionary spirit, our Palestinian people has not lost its spirit in Israeli prisons and concentration camps or when faced with all forms of harassment and intimidation. It struggles for sheer existence and it continues to strive to preserve the Arab character of its land .Thus it resists oppression, tyranny and terrorism in their ugliest forms .

.60It is through our popular armed struggle that our political leadership and our national institutions finally crystallized and a national liberation movement, comprising all the Palestinian factions, organizations and capabilities, materialized in the PLO .

.61Through our militant Palestine national liberation movement, our people's struggle matured and grew enough to accommodate political and social struggle in addition to armed struggle. The PLO was a major factor in creating a new Palestinian individual, qualified to shape the future of our Palestine ,not merely content with mobilizing the Palestinians for the challenges of the present .

.62The PLO can be proud of having a large number of cultural and educational activities, even while engaged in armed struggle, and at a time when it faced increasingly vicious blows of Zionist terrorism. We established institutes for scientific research, agricultural development and social welfare ,as well as centres for the revival of our cultural heritage and the preservation of our folklore. Many Palestinian poets, artists and writers have enriched Arab culture in particular, and world culture generally. Their profoundly humane works have won the admiration of all those familiar with them. In contrast to that, our enemy has been systematically destroying our culture and disseminating racist, imperialist ideologies; in short, everything that impedes progress ,justice, democracy and peace .

.63The PLO has earned its legitimacy because of the sacrifice inherent in its pioneering role, and also because of its dedicated leadership of the struggle. It has also been granted this legitimacy by the Palestinian masses, which in harmony with it have chosen it to lead the struggle according to its directives. The PLO has also gained its legitimacy by representing every faction, union or group as well as every Palestinian talent, either in the National Council or in people's institutions. This legitimacy was further strengthened by the support of the entire Arab nation, and it was consecrated during the last Arab Summit Conference, which reiterated the right of the PLO ,in its capacity as the sole representative of the Palestinian people, to establish an independent national State on all liberated Palestinian territory .

.64Moreover, the legitimacy of the PLO was intensified as a result of fraternal support given by other liberation movements and by friendly ,like-minded nations that stood by our side, encouraging and aiding us in our struggle to secure our national rights .



.65Here I must also warmly convey the gratitude of our revolutionary fighters and that of our people to the non-aligned countries, the socialist countries, the Islamic countries, the African countries and friendly European countries, as well as all our other friends in Asia, Africa and Latin America .

.66The PLO represents the Palestinian people, legitimately and uniquely. Because of this, the PLO expresses the wishes and hopes of its people .Because of this, too, it brings these very wishes and hopes before you, urging you not to shirk the momentous historic responsibility towards our just cause .

.67For many years now our people has been exposed to the ravages of war, destruction and dispersion. It has paid in the blood of its sons that which cannot ever be compensated. It has borne the burdens of occupation, dispersion ,eviction and terror more uninterruptedly than any other people. And yet all this has made our people neither vindictive nor vengeful. Nor has it caused us to resort to the racism of our enemies. Nor have we lost the true method by which friend and foe are distinguished .

.68For we deplore all those crimes committed against the Jews; we also deplore all the real discrimination suffered by them because of their faith .

.69I am a rebel and freedom is my cause. I know well that many of you present here today once stood in exactly the same resistance position as I now occupy and from which I must fight. You once had to convert dreams into reality by your struggle. Therefore you must now share my dream. I think this is exactly why I can ask you now to help, as together we bring out our dream into a bright reality, our common dream for a peaceful future in Palestine's sacred land .

.70As he stood in an Israeli military court, the Jewish revolutionary, Ahud Adif, said: "I am no terrorist; I believe that a democratic State should exist on this land." Adif now languishes in a Zionist prison among his co-believers. To him and his colleagues I send my heartfelt good wishes .

.71And before those same courts there stands today a brave prince of the church, Bishop Capucci. Lifting his fingers to form the same victory sign used by our freedom-fighters, he said: "What I have done, I have done that all men may live on this land of peace in peace." This princely priest will doubtless share Adif's grim fate. To him we send our salutations and greetings .

.72Why therefore should I not dream and hope? For is not revolution the making real of dreams and hopes? So let us work together that my dream may be fulfilled, that I may return with my people out of exile, there in Palestine to live with this Jewish freedom-fighter and his partners, with this Arab priest and his brothers, in one democratic State where Christian, Jew and Muslim live in justice, equality and fraternity .

.73Is this not a noble dream worthy of my struggle alongside all lovers of freedom everywhere? For the most admirable dimension of this dream is that it is Palestinian, a dream from out of the land of peace, the land of martyrdom and heroism, and the land of history, too .

.74Let us remember that the Jews of Europe and the United States have been known to lead the struggles for secularism and the separation of Church and State. They have also been known to fight against discrimination on religious grounds. How can they then refuse this humane paradigm for the Holy Land ?How then can they continue to support the most fanatic, discriminatory and closed of nations in its policy ?

.75In my formal capacity as Chairman of the PLO and leader of the Palestinian revolution I proclaim before you that when we speak of our common hopes for the Palestine of tomorrow we include in our perspective all Jews now living in Palestine who choose to live with us there in peace and without discrimination .

.76In my formal capacity as Chairman of the PLO and leader of the Palestinian revolution I call upon Jews to turn away one by one from the illusory promises made to them by Zionist ideology and Israeli leadership. They are offering Jews perpetual bloodshed, endless war and continuous hralldom .

.77We invite them to emerge from their moral isolation into a more open realm of free choice, far from their present leadership's efforts to implant in them a Masada complex .

.78We offer them the most generous solution, that we might live together in a framework of just peace in our democratic Palestine .

.79In my formal capacity as Chairman of the PLO I announce here that we do not wish one drop of either Arab or Jewish blood to be shed; neither do we delight in the continuation of killing, which would end once a just peace, based on our people's rights, hopes and aspirations had been finally established .

.80In my formal capacity as Chairman of the PLO and leader of the Palestinian revolution I appeal to you to accompany our people in its struggle to attain its right to self-determination. This right is consecrated in the United Nations Charter and has been repeatedly confirmed in resolutions adopted by this august body since the drafting of the Charter. I appeal to you, further ,to aid our people's return to its homeland from an involuntary exile imposed upon it by force of arms, by tyranny, by oppression, so that we may regain our property, our land, and thereafter live in our national homeland, free and sovereign, enjoying all the privileges of nationhood. Only then can we pour all our resources into the mainstream of human civilization. Only then can Palestinian creativity be concentrated on the service of humanity. Only then will our Jerusalem resume its historic role as a peaceful shrine for all religions .

.81I appeal to you to enable our people to establish national independent sovereignty over its own land .

.82Today I have come bearing an olive branch and a freedom-fighter's gun. Do not let the olive branch fall from my hand. I repeat: do not let the olive branch fall from my hand .

.83War flares up in Palestine ,and yet it is in Palestine that peace will be born .

.84The PRESIDENT) *interpretation from Arabic* :(On behalf of the General Assembly I should like to express our deep thanks to Mr. Yasser Arafat, Chairman of the PLO

and leader of the Palestinian revolution, for his valuable and moving statement to the Assembly .

*]The President continued in French [*

.85The PRESIDENT (interpretation from French): I should like to propose that the list of speakers on agenda item 108 be closed on Friday, 15 November 1974, at 5.00 p.m. If there is no objection, I shall take it that the Assembly agrees to that proposal .

*It was so decided .*

*The meeting rose at 1.15 p.m .*

---

3210Resumed from the 2268<sup>th</sup> meeting.  
namevariant Ehud Adiv

قطنانه مجمع عمومی (۱۴ اکتبر ۷۴) برای دعوت از جنبش آزادیبخش فلسطین

**UN General Assembly Resolution 3210 (XXIX)(**

**Oct. 141974 ,**

**) 3210XXIX). Invitation to the Palestine Liberation Organization**

*The General Assembly,*

*Considering* that the Palestinian people is the principal party to the question of Palestine, *Invites* the Palestine Liberation Organization, the representative of the Palestinian people, to participate in the deliberations of the General Assembly on the question of Palestine in plenary meetings

سخنان خانم گلدامایر در ساندی تایمز سال ۱۹۶۹

"There were no such thing as Palestinians. When was there an independent Palestinian people with a Palestinian state? ... It was not as though there was a Palestinian people in Palestine considering itself as a Palestinian people and we came and threw them out and took their country away from them. They did not exist."

Golda Meir, (Sunday Times ;15-06-1969 ,The Washington Post, 1969-06-16(

بنیاد یاسر عرفات

<http://www.yaf.ps/ya/index.php>

فیلم کوتاهی از سخنان عرفات در سازمان ملل (۱۲ نوامبر ۱۹۷۴)

<http://www.youtube.com/watch?v=ttb6B7R5xGM>

سخنان یاسر عرفات در اسناد سازمان ملل

Source : *UN website*.

خطاب یاسر عرفات امام الجمعية العامة للامم المتحدة في 1974/11/13

همنشین بهار

[hamneshine\\_bahar@yahoo.com](mailto:hamneshine_bahar@yahoo.com)